

درباره  
اساسنامه جدیدی بنام  
"آئین نامه اجرائی"



---

- انتشارات سازمان های حزب توده ایران در خارج از کشور (وابسته به جنبش نوسازی)

- خرداد ۱۳۶۸

- نشانی پستی : Postfach Nr. 130171  
5300 BONN 1  
WEST GERMANY

## فهرست مطالب

<u>شماره صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۲	پیشگفتار
۳	برنامه و اساسنامه حزب طراز نوین طبقه کارگر و چگونگی تدوین و قانونیت پذیری آن
۴	درباره برنامه ها و اساسنامه های حزب توده ایران
۵	سیر تصویب اساسنامه های حزب و میزان قانونیت یافتن آنها
۱۰	سابقه " کارمخی " در ایران ، مسئله " مقررات کارمخی " و پیدایش ماده ۲۷ اساسنامه
۱۱	انتقال اساسنامه ۲۷ ماده ای به ایران و حذف " ماده ۲۷ "
۱۲	چگونگی افزودن " ماده ۲۷ " به اساسنامه حزب از سوی " کنفرانس ملی " و محصول آن
۱۵	واگذاری مأموریت به " رهبری حزب " درباره تخییراتی در برخی از عرصه های فعالیت حزبی ، بمنظور اجراء مقررات و موازین اساسنامه - نتیجه ای از کار سازمانی - اساسنامه های " کنفرانس ملی "
۱۸	نمایش " آئین نامه اجرایی " - پیدایش اساسنامه دیگر و یکی جدید
۴۰	نتیجه گفتار : " اساسنامه " جدید - اعلامیه جدائی از حزب توده ایران ، جدائی از نیازهای حزب و جامعه کنونی ایران و جهان

## پسگفتار

در تاریخ ۴۷ ساله حزب توده ایران و حتی در دورانهای بحرانی آن، هرگز سندی که اصول اساسنامه‌ای و موازین حزب طراز نوین لنینی را به روشنی نقض کند از سوی هیچ مقام و ارگان حزبی تصویب نشده بود. این کاری است که با کمال تأسف در پلنوم دی ماه ۶۶ کمیته مرکزی تحت نام "آئین نامه اجرایی پیرامون تغییرات در اساسنامه حزب توده ایران در انطباق با ماده ۳۷ مریوط به شرایط کار مخفی" انجام شد و حزب را وارد مرحله عمیق تری از بحران کرد.

این سند که به عنوان "آئین نامه اجرایی ماده ۳۷" شهرت پیدا کرده و مورد اعتراض اکثریت قاطع اعضای حزب قرار گرفته است، در واقع اساسنامه جدیدی است که از تاریخ پلنوم مذکور تاکنون ملاک عملکرد هیئت دبیران در تمام بخش‌های حزب بوده است.

گرچه در ماههای اخیر همزمان با اوج گیری جنبش اعتراضی و نوسازی حزب، هیئت دبیران اینجا و آنجا، بطور تلویحی و با فرمول بندیهای مبهم، سعی در امیدوار کردن معترضین به لغو این سند در پلنوم آینده نموده است، اما هرگز بطور رسمی آن را کان لم یکن اعلام نکرده و اعضای حزب بنا به تجربه دراز مدت خود ایمن شایعه پراکنی‌ها را از زمره تاکتیک‌های دبیران تلقی می‌کنند. حتی اگر این آئین نامه در پلنوم آینده لغو گردد نیز این سند انحراف و تخلف بی نظیری از اصول شناخته شده حزب طراز نوین است که مسئولیت آن بر عهده رهبری کنونی و در خور بررسی است.

بررسی این آئین نامه نه تنها از نظر روشن کردن جزئیات خود آن، بلکه از لحاظ نمایاندن شیوه تفکر و عمل رهبری حزب، یعنی عامل محوری بحران کنونی - آن پدیده‌ای که جنبش اعتراضی فراگیر حزب با آن در مبارزه است - نیز حائز اهمیت است.

تاکنون مقالات متعددی درباره این آئین نامه و از جمله در "بولتن تدارک‌کنگره سوم" منتشر شده است. لیکن همچنان ضرورت یک بررسی موشکافانه در این باره وجود داشت. این کار به همت یکی از اعضای گران‌مایه و پژوهشگر حزب انجام گرفته است. نوشته حاضر خلاصه‌ای از تحقیق این رفیق در این زمینه است که اساس آنرا مطالعه تطبیقی "آئین نامه" با اساسنامه موجود حزب، اساسنامه‌های پیشین و موازین حزب طراز نوین طبقه کارگر تشکیل می‌دهد. رفیق در عین حال در برخی از موارد نظرات خود را نیز بیان داشته‌اند که بحث پیرامون آنها میتواند به غنای فرهنگ سیاسی - تشکیلاتی ما یاری رساند.

## برنامه و اساسنامه حزب طراز نوین طبقه کارگر و چگونگی

### تدوین و قانونیت پذیری آن

جای تردیدی نیست که اساسنامه و برنامه حزب در پیوند با یکدیگر هستند. اساسنامه و اجرای صحیحانه و صادقانه مواد و مفاد آن بویژه برای احزاب طراز نوین طبقه کارگر که در انقلاب های اجتماعی وظیفه رهبری و هدایت جامعه را بر عهده دارند. — دارای اهمیت فوق العاده و بمنزله قانون اساسی آنست.

این قانون اساسی، یعنی اساسنامه، پیوسته به همراه برنامه که اساس اندیشه ای و سیاسی حزب است، با شرکت فعال توده حزبی تنظیم و تدوین میشود.

سازماندهی این کار بر عهده کمیسیون ویژه و پراعتباری قرار میگردد. این کمیسیون کار تنظیم و تدوین برنامه و اساسنامه، تعیین مواد و جزئیات اولیه آن را به صالح ترین کمیسیونهای می سپارد که در ترکیب آن پر تجربه ترین و کاردان ترین رهبران و فعالین حزب در امور سازمانی — سیاسی شرکت داده میشوند. این کمیسیونهای بنوبه خود وزیرین و معتبر، پیشراز هر چیز آئین نامه کارهای خود را تهیه و تنظیم میکند. — آنگاه برای محین کردن اصول اولیه و مقدماتی سمت های برنامه ای و اساسنامه ای به گزینش و جلب نیروها و فعالین متخصص در رشته های مختلف می پردازد. ترکیب شایسته ای از شعبات زیر کمیسیونی برنامه و اساسنامه حزب را بوجود می آورد. — جمع بندی نتایج بررسی ها و کارهای تحلیلی بصورت اصول اولیه و مقدماتی سمت های برنامه ای و اساسنامه ای در سطح سازمانهای حزبی تا پایه های اولیه حزب مطرح می گردد. — با گردآوری مجموعه نظریات و پیشنهادات، بررسی آنها به شعبات زیر کمیسیونی برنامه و اساسنامه سپرده میشود، و آنگاه بر پایه ی جمع بست های داده شده طرح برنامه و اساسنامه حزب تنظیم و تدوین میشود، در معرض قضاوت وسیع اعضا و هواداران حزب و توده ها قرار میگردد.

حزب، پس از بازگشت از یک چنین کارزار وسیع سیاسی و اجتماعی، طرح نهائی و تدوین شده ی برنامه و اساسنامه خود را به بررسی، قضاوت و تصمیم گیری کنگره حزبی می سپارد. — تصویب نهائی یک چنین برنامه و اساسنامه حزبی است، که حزب را بمنزله حزب طراز نوین طبقه کارگر در سراسر جامعه و در سطح جهان معرفی و مطرح می کند.

تدوین و قانونیت یافتن برنامه و اساسنامه حزب از این راه نه با یک روند بوروکراتیک، بلکه با یک روند بقدر لازم طولانی دمکراتیک تحقق می پذیرد. — یک چنین روند دمکراتیک، حزب را از نتایج ایدئولوژی — سیاسی، و اجتماعی — انقلابی عظیمی بهره ور می سازد.

بدون گذار از چنین روند — نمیتوان حزب را به انسجام فکری سوق داد، نه پیکره

حزب را به وحدت و انسجام سازمانی رساند ، و نه از آنجا به وحدت با سایر نیروهای انقلابی و ترقیخواه رسید .

### درباره ی برنامه ها و اساسنامه های حزب توده ایران

- از آغاز پیدایش حزب کمونیست ایران تا آغاز بحران کنونی حزب، شش برنامه و اساسنامه حزبی تنظیم و تدوین شده است . از آنها ۲ برنامه و اساسنامه مصوب کنگره های اول و مردم حزب کمونیست ایران و چهار برنامه و اساسنامه به حزب توده ایران مربوط است:
- ۱- <sup>(۱،۲)</sup> برنامه و نظامنامه حزب کمونیست ( بلشویک ) ایران مصوب نخستین کنگره حزب کمونیست ( بلشویک ) ایران ، انزلی ، سال ۱۲۹۹ هـ
  - ۲- برنامه و نظامنامه حزب کمونیست ایران مصوب دومین کنگره حزب کمونیست ایران - ارومیه سال ۱۳۰۶ هـ
  - ۳- برنامه و نظامنامه حزب توده ایران مصوب نخستین کنگره حزب توده ایران ، تهران ، مرداد ماه سال ۱۳۲۳ ، با شرکت ۱۶۴ نماینده هـ
  - ۴- برنامه و اساسنامه حزب توده ایران مصوب دومین کنگره ی حزب توده ایران ، تهران ، اردیبهشت ماه سال ۱۳۲۷ ، با شرکت ۱۱۸ نماینده هـ
  - ۵- برنامه و اساسنامه حزب توده ی ایران مصوب پلنوم پانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ی ایران ، خارج از کشور ، تیرماه سال ۱۳۵۴ هـ
  - ۶- برنامه و اساسنامه حزب توده ایران مصوب پلنوم هفدهم کمیته مرکزی حزب توده ی ایران ، تهران ، فروردین ماه سال ۱۳۶۰ هـ
- بررسی و تحلیل این اسناد برنامه های و اساسنامه ای حزب از سوی همه ی اعضای حزب و از سوی سایر سازمانهای جنبش کمونیستی ، انقلابی و ترقیخواه جامعه نه تنها به کشف بسیاری از پند های نهفته یاری می رساند ، بلکه هم چنین کارزار گسترده ای از آموزش سازمانی و پرورش فکری جنبش انقلابی را در سراسر کشور فراهم می آورد .
- وجود شش برنامه و اساسنامه برای حزب طبقه کارگر که اینک ، هفتمین آنرا نیز "کنفرانس ملی" به "ارمغان" داده است ، بخودی خود نشان دهنده ی ضعف شناخت از جامعه ایست که هنوز نخستین وظیفه مربوط به مرحله رشد اجتماعی را به ثمر نرسانده است .

امید است پیاری خرد جمعی مجموعه حزب و سایر سازمانهای پیرو سوسیالیسم و نیز پیاری نیروهای انقلابی و مترقی بتوان به بررسی ها و نتایج عمیقی دست یافت . مانند بسیاری از

احزاب طراز نوین طبقه کارگر دارای يك برنامه ی مشخص ، فشرده و جامع مرحله ای بود ، آنرا به ثمر رساند و آنگاه به تنظیم و تدوین برنامه دیگر پرداخت . چنین کاری لازم و ممکن است . باید عرصه ها را گشود . سدها را شکست .

### سیر تصویب اساسنامه های حزب و میزان قانونیت یافتن آنها

نظامنامه های مصوب کنگره های اول و دوم حزب کمونیست ایران فعلا " در اختیار مانیست ، لذا بررسی آن به آینده واگذار می شود .

نخستین نظامنامه حزب توده ایران که طی سه سال پس از تاسیس حزب تنظیم شد و در سال ۱۳۱۳ بتصویب نخستین کنگره حزب رسید با شرکت فعال کمونیست های رهائی یافته از زندان و بهره گیری از تجارب سه ساله حزب و فعالین آن تنظیم و تدوین شده است .

نخستین نظامنامه حزب توده ایران شامل ۲۴ ماده با ۱۱ عنوان است ؛ این نظامنامه عنوان " عضویت " را در چهار ماده و پنج تبصره آورده است . به موجب آن شرایط عضویت در حزب شامل ؛ تابعیت کشور ، داشتن لااقل ۲۰ سال ، پذیرش مرام و نظامنامه ی حزب ، داشتن اسناد گذراندن دوره آزمایشی یا داشتن سابقه فعالیت حزبی ) ، شرکت عملی و منظم در حوزه ها و فعالیت برای پیشرفت آمال و خط مشی سیاسی حزب ، پرداخت حق عضویت ، نداشتن سوء پیشینه و داشتن دو معرف بود . عنوان " اصول تشکیلاتی " تنها در يك جمله خلاصه شده بود ؛ " اساس تشکیلات حزب توده ایران بر اصل مرکزیت و دمکراسی است " . عنوان " حوزه " سرفصل جداگانه ایست که در سه ماده و يك تبصره آمده ، حوزه های حزبی را " اساس و پایه حزب توده ایران " میداند . مبنای تشکیل آنرا بر حسب محل کار یا سکونت و غیره معرفی کرده حقوق و وظایف آنرا محین میکند . آنچه در زیر عنوان " کنفرانسها " در يك ماده ذکر شده ، معرف آنست که در آنزمان ، حزب شامل حوزه هایی بود که بوسیله هیئت عامله انتخابی سه نفره فعالیت می کرد . رابطه حوزه ها از طریق کنفرانسهای محلی به کمیته های محلی میرسید . این کمیته ها و کمیسیونهای تفتیش محلی همزمان از سوی کنفرانسهای محلی انتخاب می شدند . مشخصات کار و وظایف این " کمیته ها " نیز زیر همین عنوان ، چهار ماده و سه تبصره نظامنامه را در بر میگیرد . در اینجا وظایف سازمانی کمیته ها ، حیطة فعالیت کمیته ها در نظارت بر امیر اقتصادی ، بهداشتی ، فرهنگی و انتخابات بعدی و انجمن های ایالتی و ولایتی و مجلس شورایی و غیره آورده شده است . عنوان

"کنگره" نیز چهار ماده و سه تبصره نظامنامه را شامل است. بموجب آن، "حق تدوین و تغییر مرام و نظامنامه حزب و رسیدگی به اموری، سیاسی و تشکیلاتی و همچنین تعیین خط مشی و تصمیم به انحلال قسمت یا کلیه تشکیلات حزبی مختص "کنگره، یعنی برگزیدگان توده حزبی شناخته شده است. کنگره بموجب اساسنامه موظف شده است که "به تمام امور کمیته مرکزی و سایر سازمانهای حزبی رسیدگی نموده" برای اجرای نظریات خود کمیته مرکزی جدید و نیز "برای تفتیش و دقت در امور حزبی هیئتی بنام کمیسیون تفتیش مرکزی انتخاب" نماید. عنوان "کمیته مرکزی" شامل دو ماده و چهار تبصره است که کمیته مرکزی را تابع کنگره و پاسخگو در برابر آن میداند. نظامنامه با تعیین شیوه تقسیم کار، هیئت رهبری کننده حزب را شامل مجموعه ای از هیئت سیاسی، دبیران مسئول، کمیسیون تشکیلات، کمیسیون تبلیغات و کمیسیون مالی و اقتصادی دانسته، "تمام این شعب را" در برابر جلسه عمومی کمیته مرکزی (پلنوم) مسئول شناخته، "اجرا کننده ی تصمیمات کمیته مرکزی" میداند که درباره "فعالیت خویش به کمیته مرکزی گزارش میدهد". تعداد افراد هیئت سیاسی بنظر کمیته مرکزی موقوف شده است. آنها را میبایست در جلسه عمومی (پلنوم) کمیته مرکزی انتخاب کرد. کمیته مرکزی در همان جلسه سه نفر از اعضای هیئت سیاسی را بعنوان دبیران مسئول حزب تعیین میکند و مقرر میدارد که، میبایست انتخاب هیئت سیاسی و دبیران، هر ششماه یکبار تجدید شود و کمیته مرکزی لااقل هر سه ماه یکبار بکارها رسیدگی کند. نخستین نظامنامه ی حزب توده ایران، اضافه بر این به تشکیل یک کمیسیون تفتیش و کنترل قانونیت بخشید که اعضای آن میبایست یا همان شیوه ی انتخاب کمیته مرکزی از سوی نمایندگان منتخب اعضای حزب در کنفرانسهای محلی و نمایندگان کنگره حزبی - برگزیده شوند. در نظامنامه وظایف این کمیسیون زیر عنوان "کمیسیون تفتیش مرکزی" با یک ماده و ۷ بند بمنظور رسیدگی به امور مالی و اقتصادی حزب، رسیدگی به اسیر تشکیلاتی و وظایف کمیته ها و افراد، رسیدگی به دعاوی اعضا و کمیته ها، تنظیم گزارسرها راجع به نواقص حزبی، رسیدگی به شکایات اخراج شدگان، پیشنهاد مجازات های حزبی نسبت به افراد متخلف و تنظیم آئین نامه برای محاکمات حزبی و جرائم و تشویق اعضا حزب مشخص شده است. پنج ماده دیگر نظامنامه نیز به عناوین "فراکسیونهای حزبی"، "سازمان جوانان و خردسالان" و "سازمان ورزشی" اختصاص یافته است. علاوه بر اینها، نظامنامه دارای ضمیمه هایی زیر عنوان "قطعنامه" "آئین نامه کمیته مرکزی"، "هیئت سیاسی" و "وظایف دبیرخانه و دبیران مسئول" است. مجموعه ی نظامنامه و ضمیمه های یاد شده آن نخستین اساسنامه حزب توده ایران بشمار می آید.

سالهای ۲۰ - ۱۳۱۷ سالهای بهره گیری بزرگ اجتماعی و انقلابی از نخستین اساسنامه ی حزب توده ایران - محصول شایسته نظامنامه های اول و دوم حزب کمونیست ایران در کشور است \*

دومین کنگره حزب توده ایران در اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۷ برنامه و اساسنامه جدید را به تصویب رساند \*

مقایسه نخستین برنامه حزب با دومین برنامه نشان میدهد که در برنامه دوم حزب صرفنظر از برخی جملات - تخییری در آن داده نشده اما در اساسنامه دوم حزب یک سلسله تغییرات کیفی پدید آمده است \* نکات آموزنده ای که از مقایسه این دو اساسنامه می توان بدست آورد ، فراوان است \* در این فرصت تنها به برخی از مهم ترین تغییرات در اساسنامه حزب ، بسنده می شود \*

این اساسنامه در ۹ فصل با ۱۱۷ ماده تنظیم شده است \* در آن ، ابتدا فصل جداگانه ای برای معرفی " حزب توده ایران " تخصیص داده شد \* آنگاه مسائل مربوط به " پذیرش افراد بحزب " ، " دمکراسی و مرکزیت " ، " سازمان حزبی " ، " سازمانهای وابسته بحزب ، جوانان ، دهقانان " ، " فراکسیون های حزبی در سازمانهای غیر حزبی " و " حق عضویت " هر یک در فصول جداگانه آورده شده است \*

اساسنامه مصوب دومین کنگره حزب توده ایران قبل از همه نظامنامه ی مصوب نخستین کنگره ی حزب را با کلیه ضوابط آن در یک جا ادغام کرد و با تکمیل و تخییراتی نام دقیق تر " اساسنامه حزب توده ایران مصوب کنگره دوم " را برگزیده و بتصویب رساند \*

دومین اساسنامه حزب برای " دمکراسی و مرکزیت " حزب جای ویژه ای گشود \* نظام نامه ی پیشین " اصول تشکیلاتی " را زیر همین عنوان در یک جمله خلاصه کرده بود \* ولی دومین اساسنامه حزب برخلاف نخستین نظامنامه برای " دمکراسی و مرکزیت " فصل جداگانه ای در ۱۶ ماده آورد \* ۱۴ ماده ی آن مربوط به اصول " دمکراسی حزبی " و دو ماده ی آن به اصل " مرکزیت " مربوط است \*

با وجود همین دو ماده ، توجه ویژه اساسنامه به اصل " مرکزیت " تا آن حد جلورفت ، که برخلاف نظامنامه ی پیشین حزب ، انتخاب مستقیم اعضای " کمیسیون تفتیش مرکزی " و " کمیسیونهای تفتیش محلی " از سوی کنگره حزب و کنفرانسهای محلی ، و بطور کلی ، عنوان " کمیسیونهای تفتیش محلی " و " کمیسیون تفتیش مرکزی " را از اساسنامه دوم حزب حذف کرد \* بجای همه این کمیسیونها ، تشکیل " هیئت بازرسی " شامل پنج نفر از اعضای کمیته مرکزی را در اساسنامه آورد \* حتی مقرر داشت که اعضای این هیئت نه از سوی کنگره بلکه از سوی اعضای کمیته مرکزی در میان آنها انتخاب شوند \*



دومین اساسنامه حزب توده ایران نام " سازمان جوانان و خردسالان " را که در نخستین اساسنامه آورده شده بود ، در نام " سازمان جوانان " خلاصه کرد . حد سنی برای عضویت در این سازمان از ۱۲ تا ۲۳ سال معین شد و به مسئله هر چه سیاسی تر شدن این سازمان زیر رهبری حزب توجه زیادی مبدول گشت .

دومین اساسنامه حزب ، برای توده های وسیع دهقانی کشور جای ویژه ای گشود . ضرورت تشکیل سازمان دهقانان توده ایران را مطرح کرد . این گام مهمی در راه سازمان یابی دهقانان ، پرورش کادر رهبری از میان زحمتکشان روستا و بویژه استواری و گسترش اتحاد کارگران و دهقانان کشور بخاطر رهائی از عقب ماندگی های وحشتناک اجتماعی ایران بود .

دو اساسنامه یاد شده ی حزب توده ایران تنها اساسنامه های موجودی است که تقریباً بطور کامل از مراحل قانونی بحث و بررسی و تنظیم و تدوین و تصویب کنگره گذشته و قانونیت بی خدشه حزبی ، رسمیت و پذیرش اجتماعی کسب کرده است .

اساسنامه بعدی - سومین اساسنامه حزب توده ایران است ، که بنوبه خود ، پنجمین اساسنامه حزب - از زمان تشکیل حزب کمونیست ایران - بشمار می آید . این اساسنامه در تیرماه سال ۱۳۵۴ بتصویب پلنوم پانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران در خارج از کشور رسیده است .

پایه تهیه و تنظیم این اساسنامه را میتوان از سال ۱۳۳۶ ، از زمانی دانست که مذاکرات میان هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران با هیئت نمایندگی کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان و تماس کمیته مرکزی حزب با رفقای حزب دمکرات کردستان و مذاکره با آنان برای وحدت سازمانی حزب طبقه کارگر ایران - آغاز گشت .

از آن تاریخ تا تشکیل " کنفرانس وحدت " ( سال ۱۳۳۹ ) ، کمیسیونهای گوناگونی در سازمانهای حزب توده ایران و فرقه دمکرات آذربایجان طی مدتی پینر از سه سال ( از سال ۱۳۳۶ ) بکار پرداخت . سرانجام " طرح برنامه و اساسنامه حزب توده ایران " اساسنامه کنونی با ۳۶ ماده اصلی تهیه شد . این مواد سی و ششگانه پیوسته در پی هر ماده و بندی موارد و استثنائات مربوط به شرایط کار مخفی و پنهانکاری را صریحاً " منحص کرده بود . این " طرح اساسنامه حزب توده ایران " با همین نام مورد تأیید پلنوم هفتم ( وسیع ) و " کنفرانس وحدت " قرار گرفت . پلنوم هشتم که بلافاصله پس از " کنفرانس وحدت " تشکیل شد و در ترکیب آن رفقای فرقه دمکرات آذربایجان نیز در مقام اعضاء اصلی و مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران شرکت داشتند ، به این طرح و " طرح برنامه " نام " طرح موقت برنامه و اساسنامه جدید حزب توده ایران " داده ، مقرر داشتند تا هر چه زودتر منتشر

شود، یعنی مورد بررسی و اظهارنظر همگانی قرار گیرد.

" شرح موقت اساسنامه جدید حزب توده ایران " از سال ۱۳۳۹ تا سال ۱۳۵۴ به مدت پانزده سال به اجرای تجریمی و اظهارنظر سپرده شد. بدیهی است که غی این مدت فرآورده بنای معینی را از عملکردهای سازمانی و اظهارنظرها - در اختیار حزب قرار داد. بر مبنای همه اینها و منطبق با سیاستی که رهبری آنزمان برای بهبود کار سازمانی حزب در ایران اتخاذ کرده بود، مقرر شد که بر مواد سی و شصتگانه این " طرح موقت " ماده‌ی دیگری بعنوان " ماده ۳۷ " با سرلوحه " مقررات کار مخفی " افزوده شود. این طرح ۳۷ ماده‌ای در سال ۱۳۵۴ بنام " اساسنامه حزب توده ایران " به تصویب پلنوم پانزدهم کمیته مرکزی رسید.

پایه توجه داد که، مواد سی و شصتگانه " طرح موقت اساسنامه جدید " طی ۱۸ سال کار (از سال ۱۳۳۶ تا سال ۱۳۵۴) مسئولین، کاررها و اعضای حزب در خارج از کشور و شاید بتوان گفت که، هم چنین یا کار و اظهارنظرهای رفتاری داخل کشور تهیه و تنظیم شده است. از اینرو، با آنکه این اساسنامه از مراحل بررسیهای کافی و کسب قانونیت کامل نگذشت، بهرحال نمیتواند سند کم اعتباری بشمار آورده شود. درست بهمین دلیل است که هم پلنوم هفدهم - در ایران، و هم پس از آن - تا پلنوم دهم ۶۶، هیچ کس و هیچ مقامی بخود جرأت نداد صریحاً " دستبردی بر مواد اصلی آن وارد آورد. در " کنفرانس ملی " نیز چنین جسارت مستقیمی نتوانست صورت بپذیرد.

این اساسنامه سی و شش ماده‌ای است. بعدت ۱۵ سال ملاک پذیرش و عملکرد همای حزبی بود. در سال ۱۳۵۴ به اساسنامه‌ی ۳۷ ماده‌ای، در سال ۱۳۶۰ به اساسنامه‌ی ۳۶ ماده‌ای و در سال ۱۳۶۵ مجدداً به اساسنامه‌ی ۳۷ ماده‌ای تبدیل شد.

افزایش، حذف و بازگشت مجدد " ماده ۳۷ " به دلایل مربوط به کار " علنی " و " کار مخفی " حزب صورت گرفته است. دو مفهوم " علنی " و " مخفی " (از جمله مفهوم " فشرده‌گی " و " گسترده‌گی " حزب در شرایط گوناگون)، تعیین حد و مرز آن بخصوص در سالهای اخیر و بویژه در زمینه سازماندهی و تحقق یافتن کارها، وظایف و فعالیت‌های چند جانبه حزبی، اجتماعی و سیاسی - در هم آمیخته و سردرگم فهمیده و فهماننده شده است. دو جزم در دو قطب یا یکدیگر دست بگیربان هستند؛ یا " همه چیز و همه کس " " مخفی " است - که نیست؛ و یا " همه چیز و همه کس " " علنی " است - که آنهم نیست. این دو جزم در دو قطب جای گرفته اند و هر دو بدور از وحدت دیاکتیکی مطالب را مطرح و بر آن پایه عمل میکنند. این بحث نیازمند روشنگری است و فعلاً همین اشاره کوتاه و جلب اندیشه کافی است.

سابقه " کار مخفی " در ایران ، مسئله " مقررات کار مخفی " و پیدایش

ماده ۲۷ اساسنامه

سابقه کار مخفی سازمانی در ایران طولانی، همراه با سنن فراوان و گوناگون است . آنچه به حزب توده ایران مربوط می شود ، برای نخستین بار توطئه غیرقانونی کردن حزب در ۱۶ بهمن سال ۱۳۲۷ به دستور محمد رضا شاه است . از آن تاریخ تا بهمن ۱۳۵۷ وضعیت فوق ادامه داشت . کشتار وحشیانه توده ایها و سایر مبارزان انقلابی از سوی رژیم سلطنتی ، تسلط تدریجی ساواک و استواری مواضع آن در سراسر کشور ، از جمله عوامل عده ای شد که دلایل و استناداتی را برای دادن اساسنامه جدید پدید آورد . براین دلایل مسئله وحدت سازمانی حزب طبقه کارگر و داشتن برنامه و اساسنامه واحد نیز افزوده شد .

گرچه در سالهای بین ۱۳۲۶ تا سال ۱۳۴۰ رژیم سلطنتی پایگاههای اجتماعی خود را در سطح کشور و جهان از دست میداد و یار دیگر کشور در آستانه تغییر رژیم جای گرفته بود ، با خیزشهای مردمی روبرو بود ، و براین زمینه ، پهنه گسترده ای برای تلفیق کار غلنی و مخفی بعنوان اصلی ترین کار حزب فراهم آمده بود ، با اینحال حزب هنوز سازماندهی " کار مخفی " را در دستور اصلی روز داشت و آنرا در " طرح " و " طرح موقت " اساسنامه جدید منعکس ساخت .

" طرح اساسنامه " و سپس " طرح موقت اساسنامه جدید " با آنکه بسیاری از سنتها<sup>ک</sup> اساسنامه ای پیشین را که برای کار در مرحله نوین لازم و ضروری بود - کنار گذاشت ، هرگز " کار مخفی " را بمعنای عام و همه گیر حزبی و اجتماعی نپذیرفت . سازمان حزبی را بصورت تفکیک شده ی " فعالیت حزب در ایران " ، " سازمان حزب " و " سازمان مهاجرت " مورد توجه قرار داد . در " طرح اساسنامه " و " طرح موقت اساسنامه جدید " مواد سی و ششگانه پنحوی داده شد که شامل همه سازمانهای حزبی باشد . تنها در مواردی که لازم بود ، در زیر هر ماده و بند اساسنامه استثنائات مربوطه " شرایط کار مخفی " و " پنهانکاری " را توضیح داد .

اما ، چنانچه گفته شد ، پس از گذشت پانزده سال ، ماده ای بنام " ماده ۲۷ " - " مقررات کار مخفی " بر این اساسنامه افزوده شد .

اسناد رسمی فراوان حزبی گواه بر آنست که ، از پلنوم چهارم ( وسیع ) تا پلنوم پانزدهم و همچنین از آن پس توجه حزب و رفقای حزبی همینه و پیوسته متوجه شکستن " شرایط کار مخفی " ، رفتن بدون توده ها ، حضور در میان آنان ، جذب و متحد ساختن آنها بوده است . عامل مهمی که موجب پیدایش عنوان " مقررات کار مخفی " و " ماده ۲۷ " در

اساسنامه شد ، خلافاً بر آنها ، اهمال و عدم احساس مسئولیت از سوی رهبری امور سازمانی حزب در ایران طی سالهای ۱۳۴۸-۱۳۲۶ ، تخلف در اجرا و نظارت بر رعایت مقررات اساسنامه ای مربوط به استثنائات " شرایط کار مخفی " است که در اساسنامه ۳۶ ماده ای جایجا بر آنها تصریح شده بود .

موافقت با افزودن " ماده ۳۷ " بر اساسنامه در آن زمان نه بدلیل يك كاسه کردن و " مخفی " ساختن همه فعالیتها و امور سازمانی در جزم " پنهانکاری " بلکه درست بدلیل رعایت خود ویژگیهای بسیار متنوع فعالیتها در درون کشور - صورت پذیرفت . يك چنین موافقتی ، آنهم در سالهایی که جنبش مردمی و ضد سلطنتی هر روز عرصه و پهنه نوینی را فرا میگرفت ، درست بخاطر آن بود که افراد و گروههای حزبی بتوانند حضور حزب را در همه عرصه های فعالیت اجتماعی تأمین کنند . حزب را از يك سازمان " مخفی " و " منزوی " به يك سازمان علنی و مردمی مبدل کنند . دلیل افزودن " ماده ۳۷ " بر اساسنامه پیشین این چنین است . اساسنامه پیشین و ماده ۲۷ آن محصول کار و رنج و تدبیر و فداکاری صدها رفیق مبارز و دلسوز و قهرمان ، شهدا و زندانیان و آواره شدگان این راه است ، گرچه این محصول ، پرکنار از نواقص ، خطاها و بیدقتی ها نیست - ولی ارجمند و نیازمند تکامل است .

### انتقال اساسنامه ۳۷ ماده ای به ایران و حذف " ماده ۳۷ "

اساسنامه ۳۷ ماده ای مصوب پانزدهم در خارج از کشور بعدت سه سال با مشخصاً از مفهوم " دوران مخفی " (مفهوم میرد پذیرش سالهای پیش از انقلاب بهمن ماه ) از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۵۷ عمل کرد . با پیروزی انقلاب مردمی ، ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی مردم ایران ، فعالیت علنی حزب در کشور آغاز شد . این اساسنامه ۳۷ ماده ای به داخل کشور انتقال یافت . طبیعی است که ، در چنین شرایطی اساسنامه مذکور ضرورت وجود بسیاری از جنبه های گنجانده شده در مفهوم " دوران کار مخفی " ( مربوط به پیش از انقلاب ) را از دست داد . با اینحال تا سال ۱۳۶۰ ، این اساسنامه سندی بیدک تقاضا کنندگان عضویت در حزب داوطلبانه آنها پذیرفته و رعایت مفاد آنها متحد میشده اند .

پانزدهم هفدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران در سال ۱۳۶۰ تقریباً " همه تبصره ها و تذکرات مربوط به " شرایط کار مخفی " مندرجه در " طرح اساسنامه " و " طرح موقت اساسنامه جدید " و بالاخره ماده ۳۷ زیر عنوان " مقررات کار مخفی " را حذف کرد . یعنی از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۲ اساسنامه ای حزب در ایران دیگر نه اساسنامه ۳۷

ماده ای، بلکه اساسنامه ۳۶ ماده ای بوده است \*

حذف تقریباً " همه تبصره ها و تذکرات و مقررات کار مخفی از اساسنامه، هنگامی در ایران صورت گرفت، که اساسنامه مصوب کنگره دوم حزب توده ایران، بویژه مواد مهم مربوط به کار در شرایط علنی و تجارب بدست آمده از اجرای موازین آن مورد بهره برداری جدی قرار نگرفت. \* اینکه، چنین عملی، یعنی حذف جنبه هائی از مقررات کار مخفی و پسرخورد غیر جدی نسبت به بهره برداری از موازین و تجارب مربوط به شرایط کار علنی، تا چه اندازه با مواضع تعیین شده در پلنوم شانزدهم مطابقت دارد، مسئله ی گسترده و پند آموز جداگانه ایست که میبایست در جریان سایر ارزیابیها از سوی مجموعه حزب مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد \*

با آخرین بیورتر ارتجاع به حزب در سال ۱۳۶۲، اساسنامه ۳۶ ماده ای بار دیگر پمهاجرت بازگشت. \* تا سال ۱۳۶۵ ("کنفرانس ملی")، موضوع تغییر و تحول در موارد و مفاد آن مسکوت ماند. \* "کنفرانس ملی" مجموعه مواد سی و ششگانه این اساسنامه را پذیرفت و ضمن قطعنامه مربوطه، اعلام کرد که گویا ماده ای بنام " ماده ۳۷" با عنوان " در باره مقررات کار مخفی" بدون هیچ سابقه قبلی از سوی "کنفرانس ملی" بر اساسنامه افزوده شده است. \* ولی در اطلاعیه ای که مدتی پس از برگزاری "کنفرانس ملی" از سوی " دبیرخانه کمیته مرکزی" انتشار یافت، اعلام شد که " پلنوم نوزدهم" " ماده ۳۷" را که در سال ۱۳۵۲ (منظور سال ۱۳۵۴ - پلنوم پانزدهم است) که به اساسنامه وارد شده بود، و " پس از انقلاب بهمن در شرایط کار علنی از اساسنامه حذف شد، دوباره به اساسنامه حزب افزود. \* " باین ترتیب، گذشته از ضد و نقیض گوئی میان "قطعنامه کنفرانس ملی" در باره اساسنامه و " اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی" در همین مورد - یار دیگر اساسنامه ۳۷ ماده ای پیشین منتها بدون بررسی، تحلیل، نتیجه گیری و پند آموزیها لازم، بدون اطلاع و شرکت توده حزبی به حزب بازگشت داده شد \*

### چگونگی افزودن " ماده ۳۷" به اساسنامه حزب

#### از سوی "کنفرانس ملی" و محصول آن

در اسناد و انتشارات حزب - از طرف " کمیته برون مرزی" پس از آخرین یورش تا پلنوم هیجدهم و از پلنوم هیجدهم تا "کنفرانس ملی" در باره " شرایط کار مخفی"، " پنهانکاری"، " برتری کیفیت بر کمیت"، " نفوذ عناصر دشمن"، " اینکه" همه بر علیه حزب برخاسته اند و نظائر آن سخن بسیار رفته است. \* اما کلمه ای، اشاره ای بر اساسنامه

و "تخیر" در اساسنامه حزب نیست.

"قطعنامه" کنفرانس ملی در "نامه مردم" شماره ۱۱۴، ۱۶ مرداد ماه سال ۱۳۶۵ و در ویژه نامه "دنیا" شماره ۳، سال اول، دوره پنجم، شهریورماه سال ۱۳۶۵ به چاپ رسیده است. ما آنرا از "ویژه نامه" برگزیده ایم. این سند، در "ویژه نامه" عنوان "قطعنامه کنفرانس ملی حزب توده ایران درباره تخیر در اساسنامه حزب" را بر سر و شعار "تلفیق کار مخفی و علنی در شرایط کنونی یک وظیفه انقلابی است" را در آخر دارد. بالاتر از این شعار و زیر متن قطعنامه، با ستاره ای توضیح داده شده است که: "این قطعنامه با اتفاق آراء تصویب شد."

ببینیم، منظور از "تخیر" چیست؟ در این "تخیر" چگونه "تلفیق همسایرانه کار مخفی و علنی" در نظر گرفته شد؟ تصویب "با اتفاق آراء" آن دارای چه مضمونی است؟

ابتدا متن کامل "قطعنامه" را عیناً می آوریم، تا فقط بتوانند آسانتر و بطور مستقیم، خود بر آن دقت کنند و بهترین پدیده های ما را بر این متن ملاحظه نمایند:

### "قطعنامه کنفرانس ملی حزب توده ایران

#### درباره تخیر در اساسنامه حزب

با در نظر گرفتن اینکه، اساسنامه مصوبه پلنوم هفدهم حزب برای فعالیت در شرایط علنی تنظیم و تصویب گردیده است و در اوضاع و احوال کنونی که رژیم ترور و اختناق پلیسی بر کشور ما فرمانروائی میکند و حزب ما در شرایط مبارزه مخفی بسر میبرد، افزودن ماده ای بمواد سی و ششگانه آن ضرورت دارد. از اینرو کنفرانس ملی ماده زیر را به اساسنامه مصوب پلنوم هفدهم می افزاید:

#### "درباره مقررات کار مخفی

۲۷- در شرایط کار مخفی و بر اثر ضرورت های آن باید در اجراء مقررات و موازین مندرجه در این اساسنامه در برخی عرصه های فعالیت حزبی مانند: شیوه فعالیت و ساختار تشکیلاتی حزب، پذیرش عضو، حقوق اعضا، شیوه دادرسی ها و مجازات حزبی، اختیارات ارگانها و نحوه مهلت فرا خواندن آنها (از جمله برگزاری پلنوم، کنفرانس یا کنگره)، انتخاب و انتصاب و نحوه فعالیت ارگانها و افراد و نیز شکل و شیوه فعالیت سازمان جوانان و غیره در راستای تحکیم مرکزیت، تقویت انضباط و حفظ سریت حزبی

تخیراتی پدید آمد \*

رهبری حزب باید مقررات ویژه دوران کار مخفی را بر اساس تجربه های گرد آمده تنظیم و به ارگانهای مربوطه ابلاغ کند و گزارش آنها به پلنوم کمیته مرکزی بدهد \*

" این قطعنامه به اتفاق آراء تصویب شد \*

تلفیق هشیارانه کار مخفی - علنی در شرایط کمونی یک وظیفه انقلابی است \*

( نقل از : ویژه نامه " دنیا " شماره ۳ سال اول ،

دوره پنجم ، شهریور ماه ۱۳۶۵ صفحه ۷۴ )

با آنکه پس از انتشار این سند ، اعتراضاتی صورت گرفت ، متأسفانه بر آن اعتنائی نشد و بیشتر ادعا میشد که زمان به حل دشواریها و ابهامات کمک خواهد کرد . زمان و زمانه نیز " آئین نامه اجرائی " را به ارمغان آورد \*

در " قطعنامه " بکلی صحبت از " آئین نامه " نیست ، بلکه سخن از " مقررات ویژه دوران کار مخفی " است . باین ترتیب " قطعنامه " " تخیر در اساسنامه " را مطرح کرد ، ولی " اجرای مقررات و موازین مندرجه " درسی و شش ماده اساسنامه را خواسته است \*

آشکارست که در این قسمت هدف مشخصاً " افزودن ماده ای به مواد سی و ششگانه " است . در اینصورت چرا عنوان " قطعنامه " ، " درباره تخیر در اساسنامه حزب " است ، اما در متن قطعنامه بر " ضرورت افزودن ماده ای به مواد سی و ششگانه " تأکید شده است ، " تخیر اساسنامه " یک چیز و " افزودن ماده ای به مواد سی و ششگانه " بکلی چیز دیگریست . آیا این چیزی جز اختلاف و دوگانگی آشکارست \*

در همین جملات اولیه " قطعنامه " آورده شده است که ، " اساسنامه مصوبه پلنوم هدف هم برای فعالیت در شرایط علنی تنظیم و تصویب گردیده است " لذا " افزودن ماده ای به مواد سی و ششگانه آن ضرورت دارد " \*

آیا اساسنامه قبلی در اختیار تصویب کنندگان " قطعنامه " گذارده شده ؟ آیا تصویب کنندگان " قطعنامه " را مطلع کرده اند که " اساسنامه مصوبه پلنوم هدف هم " و " مواد سی و ششگانه " آن از سوی پلنوم هدف هم " تنظیم " نشده است ؟ و آیا ، اصولاً " از تاریخچه و چگونگی تصویب مواد سی و ششگانه این اساسنامه که در شرایط مخفی تنظیم و تدوین شد ، از مدت و شکل بررسی این مواد سی و ششگانه در ساعاتی که پلنوم هدف هم



برگزار میشد ، و یا از جریان تدارک و بررسی اسناد این پلنوم که " در شرایط علنی " ، مخفیانه برگزار شد ، اطلاعی در اختیارشان قرار گرفته است ؟ اگر چنین اسناد و اطلاعاتی در اختیار داشته اند به چه دلیل بخود اجازه داده اند که ، " باتفاق آراء " به توده حزبی اعلام می کنند که گویا " مواد سی و ششگانه " ی اساسنامه برای شرایط علنی از سوی پلنوم هدف هم تنظیم و تصویب گردیده است ؟

آیا اصولاً " متن " ماده ۳۷ " آن اساسنامه ی پیشین را در اختیار فقط قرار داده اند ، تا بتوانند " ماده ۳۷ " تصویبی خود را قبلاً با آن " ماده ی ۳۷ " از آزمون گذشته پیشین - مقایسه کنند ، از نتایج آن پندآموزی کنند و " بر اساس تجربه های گرد آمده " درباره این " ماده ۳۷ " که گویا تدوین کننده آن " کنفرانس ملی " است و بر " مواد سی و ششگانه " افزوده شد - تصمیم بگیرند ؟

واگذاری مأموریت به " رهبری حزب " درباره تخییراتی در  
برخی از عرصه های فعالیت حزبی ، بمنظور اجراء مقررات و  
موازن اساسنامه - نتیجه ای از کار سازمانی - اساسنامه ای  
" کنفرانس ملی "

" ماده ۳۷ " افزوده شده بمواد سی و ششگانه اساسنامه که با عنوان " درباره مقررات کارمخفی " آمده است ، بموجب " اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره تصمیمات پلنوم نوزدهم " ، برخلاف آنچه در " قطعنامه " - سند رسمی و مصوبه " کنفرانس ملی " آمد - همان متنی است که در اساسنامه حزب مصوب سال ۱۳۵۴ آمده بود و پس از انقلاب بهمن از اساسنامه حذف شد .

متن مصوبه " کنفرانس ملی " چنین است :

" ماده ۳۷ - در شرایط کارمخفی و بر اثر ضرورت های آن باید در اجرای مقررات و موازن مندرجه در این اساسنامه ، در برخی عرصه های فعالیت حزبی مانند : شیوه فعالیت و ساختار تشکیلات حزب ، پذیرش عضو ، حقوق اعضا ، شیوه دادرسی ها و مجازات حزبی ، اختیارات ارگانها ، نحوه مهلت فراخواندن آنها ( از جمله برگزاری پلنوم ، کنفرانس یا کنگره ) ، انتخاب و انتصاب و نحوه فعالیت ارگانها و افراد و نیز شکل و شیوه فعالیت سازمان جوانان و غیره در راستای تحکیم مرکزیت ، تقویت انضباط و حفظ سریت حزبی تخییراتی پدید آید "



" ماده ۲۷ " تحت عنوان " درباره مقررات کار مخفی " است و مشخصاً " مضمون مطالب آن برای " کار مخفی " تنظیم شده است . معنای چنین عنوان و مضمونی اینست که :

۱- حزب، اضافه بر " کار مخفی " " کار علنی " هم ندارد . به همین جهت " درباره مقررات کار مخفی " بصورت عنوانی جداگانه و در یکی از مواد اساسنامه به طرز تفکیک شده ای مشخص گشته است . یعنی این ماده نمیتواند همه مواد دیگر اساسنامه را زیر پوشش رحمت الشعاع خود قرار دهد ، بلکه برعکس تابع مواد دیگر و شاخه ای از مجموعه اساسنامه است . لذا برحسب مضمون این " ماده ۲۷ " ، میبایست چگونگی تفکیک و تشخیص " کار علنی " و " کار مخفی " و نیز شیوه تفریق آنها را ، از جمله شیوه انتخاب و انتصاب تصریح شده در متن " ماده ۳۷ " را بمعنای واقعی و اساسنامه ای آن معین کرد .

۲- " شرایط کار مخفی " ، بموجب " ماده ۳۷ " دارای " ضرورت " هائی است که باید این " ضرورت " ها از غیر " ضرورت ها " جدا شود . " ضرورت ها " مستقیماً " به جنبه " مخفی " و غیر " ضرورتها " دقیقاً " به جنبه " علنی " پیوند خورده و در رابطه با وظایف سازمانی و اجتماعی - سیاسی " کار مخفی " فرارگیرد .

۳- " ضرورت های " " شرایط کار مخفی " میبایست در خدمت " اجرای مقررات و موازین مندرجه این اساسنامه " ( همه مواد سی و ششگانه ) باشد ، یعنی - نمیتوان " اجرای مقررات و موازین مندرجه " در اساسنامه را لغو ، حذف و یا بکلی متوقف کرد . بلکه ، باید برای اجرای آن راههای عملی و ممکن را کشف و پیدا کرده ، تحقق بخشید .

۴- " ضرورت های " " شرایط کار مخفی " میبایست در برخی از عرصه های فعالیت حزبی " تخییراتی پدید " آورد ، نه آنکه تمام عرصه ها و همه چیز از جمله اکثریت نزدیک به تمام مواد اصلی و حیاتی اساسنامه و حتی همه " شرایط کار علنی " را در بر بگیرد .

۵- " تخییراتی " که بر اثر " ضرورت های " " شرایط کار مخفی " در برخی از عرصه های فعالیت حزبی " پدید میآید ، بقول " ماده ۳۷ " میبایست " در راستای تحکیم مرکزیت ، تقویت انضباط و حفظ سریت حزبی " باشد . البته این يك تعريف عام است که تنها منوط به وجود " ضرورت های " " شرایط کار مخفی " نیست . فعالیت و همه فعل و انفعالات حزب چه " مخفی " و چه " علنی " باید " در راستای تحکیم مرکزیت ، تقویت انضباط و حفظ سریت حزبی " باشد . اما در این مورد باید مشخص کرد که تحکیم مرکزیت دمراتیک ، تقویت انضباط آگاهانه و اغناعی ، حفظ سریت حزبی از راه کپیترت های دقیقاً " حساب شده ( نه تصادفی و مصلحتی ) ، تقسیم کار درست و از روی شایستگی ،

نظارت و کنترل صحیح در " شرایط کار مخفی " چگونه صورت پذیراست . در اینجا صحبت بر سر بکار گرفتن ابتکار، کشف و یافتن راههای اجرای اصول اساسنامه ای، سازمان دمی و کار عملی در این زمینه ها بر مبنای رعایت اصل مرکزیت دمکراتیک است . " ماده ۳۷ " دقیقاً " خوانندگان چنین تخییراتی است .

۶- " تخییرات " در برخی عرصه های فعالیت حزبی " در شرایط کار مخفی " در " ماده ۲۷ " مشخصاً نام برده شد . در عین حال تأکید شده است که این " تخییرات " شامل " تخییر " یا حذف " مقررات و موازین " اساسنامه نیست ، بلکه شامل " تخییر " در " شیوه " ، " نحوه " و نیز " شکل و شیوه " های است که باید " در اجرای موازین و مقررات " اساسنامه عمل کند .

" ماده ۲۷ " در دنباله این تأکیدات مقرر میدارد که :

" رهبری حزب باید مقررات ویژه دوران کار مخفی را بر اساس تجربه های گرد آمده تنظیم و به ارگانهای مربوطه ابلاغ کند و گزارش آنها به پلنوم کمیته مرکزی بدهد " .

جمله اخیر " ماده ۲۷ " علیرغم تأکیدات مشخصی که در متن این ماده آمده است ، یکی کندار، سردرگم کننده و قابل سوء استفاده است .

اولاً - معلوم نیست ، اصطلاح " رهبری حزب " به چه مفهومی بکار رفته ، چه کس یا کسانی ، چه ارگان یا ارگانهای را در بر میگیرد . دوم - این " مقررات ویژه دوران کار مخفی " به چه معنایی است ؟ آیا میبایست سراسر حزب و همه چیز را در بر بگیرد ، یا آنکه چنانچه در متن " ماده ۲۷ " آمده با کار " ارگانهای مربوطه " در پیوند است . سوم - " ابلاغ " " مقررات ویژه دوران کار مخفی " " به ارگانهای مربوطه " و " دادن گزارش آن " به " پلنوم کمیته مرکزی " یعنی چه ؟ در اینجا " مقررات ویژه " بر اساس تجربه های گرد آمده " به " ارگانهای مربوطه ابلاغ " و " به پلنوم گزارش شود ، ولی در اینجا از کمیته مرکزی ، از پلنوم هیچ رهنمودی خواسته یا گرفته نشود - چه " زیرکی " ها نهفته شده - است ؟ چه فاصله ای میان " رهبری حزب " و " پلنوم کمیته مرکزی " وجود دارد ؟ رعایت حد و مرز " کار عملی " و " کار مخفی " بجای خود محفوظ ، ولی چگونه ممکن است پلنوم کمیته مرکزی در تنظیم و تدوین مقررات کار مخفی یکی شرکت و نظارت نداشته باشد ، تنها در انتظار " تنظیم " و " ابلاغ " آن به " ارگانهای مربوطه " باقی بماند و آنگاه گزارش مربوطه را بشنود . در چنین صورتی پدیده اش حوادشی نظیر یزدی و سهریاری چگونه باید پیشگیری شود ؟ در پدیده اش اینگونه حوادث و گاه بدتر از آن ( که نمونه های آنها با سنگینی بسیار تحمل کرده ایم ) چگونه ممکن است از اعضای پلنوم کمیته مرکزی ( بمنزله رهبری حزب )

انتظار مسئولیت داشت . اگر اعضای کمیته مرکزی در این قبیل موارد حیاتی برای حزب و برای کل جامعه مسئولیتی ندارند ، پس چه کاره هستند ؟ چه کسانی مسئولیت ها را بر عهده دارند ؟ چه کسانی بر کار دارندگان مسئولیت کنترل و نظارت دارند ؟

### نمایش " آئین نامه اجرائی " - پیدایش اساسنامه دیگر

#### ویکلی " جدید "

با این " تدارکات مقدماتی " ، سرانجام مأموریت تنظیم " مقررات ویژه دوران کار مخفی " بمنظور ایجاد تخییراتی در شیوه ، نحوه و شکل فعالیت حزبی در برخی از عرصه ها بمنظور اجرای مقررات و موازین اساسنامه با مواد سی و مستگانه آن ، بصورت - " آئین نامه اجرائی پیرامون تخییرات در اساسنامه حزب توده ایران در انطباق با ماده ۲۷ مربوط به شرایط کار مخفی " (۱) - در آمد . این " آئین نامه اجرائی " به تصویب پانزده دیمه سال ۱۳۱۶ رسید ، بسازمانتهای حزبی ابلاغ شد . واکنون حزب از جمله ، با ابلاغ این سند و سایر اسناد این پلتفرم به مرحله بحرانی و سرنوشت ساز رسیده است .

سند قطعنامه " ای " " کنفرانس ملی " در باره تخییر در اساسنامه حزب " بعنوان یک سند فرعی و در رده آخرین اسناد " کنفرانس ملی " در ارگان حزب منتشر شد . لذا آوردن عنوان " تخییر در اساسنامه " که در سرلوحه قطعنامه آمده است ، برای توده حزبی تنها بمفهوم افزایش " ماده ۳۷ " به اساسنامه - فهمیده می شد . بویژه آنکه ، آنچه در متن " ماده ۲۷ " آمد نیز ، نه " تخییر اساسنامه " بلکه تهیه " مقررات ویژه دوران کار مخفی " را مطرح کرده است . پالاینحال دوگانگی کار " قطعنامه " از نظر بسیاری رفقا بدور نماند و اعتراضاتی بر آن صورت گرفت .

علیرغم تضاد درونی " قطعنامه " - که از آن سخن رفت - آنچه که توده حزبی از آن انتظار داشت ، دریافت " مقررات ویژه ای " بود که میبایست اسلوب اجرای موازین اساسنامه ای را در شرایط کار علنی و مخفی در " دوران کار مخفی " مشخص کند . اما بجای آشنائی با این " مقررات ویژه " ناگهان " با آئین نامه " ای روبرو شد که خود را با ساخت و ساختار اساسنامه ای مطرح کرده است .

همه میدانند که ، " آئین نامه " ، آنهم " آئین نامه اجرائی " عبارت از راهنمائی های - بمنظور تعیین شیوه و اسلوب تحقق هدفهای معین است . " آئین نامه اجرائی " وظیفه تنظیم ، رونویسی ، یا حذف و تصحیح مواد اساسنامه را ندارد . چنین حقی هرگز به هیچ " آئین نامه " ای داده نشده است . " آئین نامه " موظف است ، کاریا هدف تعیین

شده را در برابر خود قرار دهد ، بدون هرگونه دستبرد در اصل کاریا هدف ، شیوه تحقق یافتن مورد مورد آن کاریا هدف معین را توضیح دهد ، راههای تحقق یافتن آنها را مطرح کند .

اگر ماده ۳۶ اساسنامه حزب را با ماده ۲۳ " آئین نامه اجرائی " کنار هم بگذاریم درست سیزده ماده کم خواهیم داشت . برخی عناوین و مواد آن از روی اساسنامه تقلید و دستخوش تحریف و تخییر و حذف و اضافه شده است :

۱- " آئین نامه " بدون هرگونه مقدمه و توضیحی باینکه ساختار اساسنامه ای تهیه و تدوین و مطرح شده است . مطرح ساختن " آئین نامه " ای با عناوین و با ساختار اساسنامه ای برای تمام سازمانهای حزبی لازم الاجرا و پذیرش آن بعنوان " شرط عضویت در حزب " و هرگونه اعتراض و مخالفت اعضای حزب با مفاد و مواد " آئین نامه " بی چون و چرا و از پیشتر ، مردود و بی اعتبار اعلام شده است .

۲- " آئین نامه " از ۱۶ عنوان که در اساسنامه حزب وجود دارد ۶ عنوان آن : " کنفرانسها " ، " کمیته ها " ، " کمیسیونهای نظارت " ، " کمیسیونهای نظارت مرکزی " ، " سازمان جوانان توده ایران " و " سازمانهای توده ای " را بکلی حذف کرده است . سه عنوان " عالیترین مقامات حزبی " ، " کمیته مرکزی " و " امور مالی " را در یک عنوان " عالیترین ارگانه های حزبی " آورده ، ۷ عنوان دیگری که بنام " عالیترین مقامات حزبی " آورد مواد اساسنامه ای خود را در ۸ عنوان تنظیم کرده است .

۳- مواد مربوط به عناوین هشت گانه ای که در " آئین نامه " آمد ، عبارت از ۲۳ ماده شامل مواد رونویس شده ، مواد ویراستاری شده ، مواد تخییر یافته و مواد حذف شده ی اساسنامه و نیز مواد تازه افزوده شده " به اساسنامه " است .

۴- در مجموع اگر قلم سرخی بدست بگیریم و متن اساسنامه را با متن " آئین نامه " مقایسه کرده ، " زوائد " را حذف و " افزوده " ها را علاوه کنیم ، " اساسنامه " جدیدی " بدست خواهیم آورد . خواهیم دید که در آن عناوین مهمی مانند : " کمیسیون نظارت " ، " سازمان جوانان توده ایران " ، " سازمانهای توده ای " حذف شده ، در آن با دادن یک رشته امتیازات خاص برای برخی ، بسیاری امتیازات حزبی همه فعالین و توده حزبی و هواداران از میان برداشته شده ، یکرشته انحرافات اصولی و خطرناک را به همراه آورده است .

۵- همه میدانند که ، شرط پذیرش اعضا " بحزب تنها منوط و مربوط به اساسنامه حزب است . در مورد کسانی که آئین نامه را نقض کنند ، بموجب موازین اساسنامه رفتار خواهد شد . یعنی - " آئین نامه " باید تابع اساسنامه و ناشی از اساسنامه باشد نه

ناقض اساسنامه •

۱- معنای تابعیت " آئین نامه " از اساسنامه اینست که ، نفس اساسنامه حزب بوسیله " آئین نامه " واقدام در تحقق و تسلط آن بر اجرای موازین و مقررات اساسنامه مشمول تخلفاتی خواهد بود که در موارد مختلف از جمله بموجب مفادی که در مواد اول و دوم اساسنامه با صراحت بیان شده و بموجب مواد متعدد دیگر اساسنامه مشمول اشد مجازات حزبی است •

پرای روشن کردن این نکات و ارائه ماهیت " اساسنامه " ای " آئین نامه " لازم است مواد " آئین نامه " و عناوین آنرا در مقایسه با عناوین و مواد اساسنامه از نظر بگذرانیم :

عنوان اول : " حزب " • " آئین نامه " عینا " همین عنوان اساسنامه را شامل يك ماده رونیسی کرده است •

عنوان دوم : " عضویت در حزب " • " آئین نامه " همین عنوان اساسنامه را نیز که شامل ماده دوم در پنج بند و تبصره است - عینا " رونیسی کرد • تنها در تبصره دوم عبارت " نهضت آزادی " را برداشته ، بجای آن " جنبش آزاد پیخش " گذاشت • عنوان سوم : " پذیرش به حزب " • این عنوان ماده سوم اساسنامه را در پنج بند و يك تبصره شامل می شود • " آئین نامه " همین عنوان را بدون هیچ بند و تبصره ای يك جا در ماده سوم خود آورده است • از آنجا که حذف و تخییرات این ماده مهم اساسنامه حاوی اهمیت سیاسی و حقوقی کاملا " جدی برای حزب و اعضای حزب است ، لذا این ماده اساسنامه و ماده مربوط به آن در " آئین نامه " را عینا " نقل می کنیم :

در اساسنامه :

" پذیرش به حزب :

۳- شرایط عضویت در حزب بقرار زیرین است :

الف • پذیرش عضو بشکل انفرادی است و از طریق حوزه بعمل می آید •

تبصره • در صورتی که گروه هائی از سازمانهای سیاسی دیگر

یکجا تقاضای ورود بحزب را بکنند ، کمیته مرکزی

حق دارد استثنائا " قرار پذیرش جمعی را صادر کند •

ب • تصویب عضویت با کمیته مرکزی یا ارگانی است که

کمیته مرکزی به آن اختیار داده است •

ج • تقاضا کننده عضویت باید از طرفد و نفر از اعضای

حزب با حداقل سه سال سابقه حزبی معرفی شود \*

معرفی کنندگان باید تقاضا کننده را از جهت —  
سیاسی واجتماعی و اخلاقی بشناسند و صلاحیت وی  
را برای عضویت حزب تصدیق نمایند و از این جهت در  
پیشگاه حزب مسئولند \*

د \* تقاضا کننده پس از گذراندن يك سال دوره آزمایشی  
به عضویت حزب پذیرفته خواهد شد \*

ه \* سابقه حزبی اعضا از روزی است که حوزه عضویت  
آنها را در حزب پذیرفته و به ارگانهای مربوطه که در  
بند " ب " ذکر شد پیشنهاد میکند \*

در " آئین نامه " :

" پذیرش به حزب :

۳ — پذیرش عضو بسنک انفرادی خواهد بود و با توجه به گوناگونی  
شرایط مشخص در داخل و خارج از کشور، تصویب آن با  
هیئت سیاسی است \* در صورتی که گروههای سیاسی دیگر  
يك جات تقاضای ورود بحزب را بدهند ، کمیته مرکزی باید قرار  
پذیرش جمعی را صادر کند \*

اینک از صریح مقایسه این ماده " آئین نامه " با ماده مربوط به آن در اساسنامه

توجه خوانندگان را به نکات زیر جلب می کنیم :

۱ — در اساسنامه پذیرش انفرادی اعضا از طریق حوزه ها محین شد \* روشن است که  
منظور اساسنامه از سمت دادن پذیرش اعضا از مسیر حوزه ها ناشی از توجه جدی اساسنامه  
به صلاحیت و کیفیت افراد است \* اما ، " آئین نامه " چنین سمت مهم و اصولی را حذف  
کرده است \* ظاهراً " دلیل " اینکار با " شرایط کار مخفی " توجیه میشود ، ولی  
باید توجه داشت و برای برخی کاملاً روشن است که " شرایط کار مخفی " نمیتواند بر  
اساسنامه و کیفیت های مورد نظر اساسنامه خللی وارد آورد \* " پنهان " نگاه داشتن  
عضویت افراد در حزب نیز با معرفی وی از طریق سازمان پایه ای و اولیه حزبی مغایرتی  
ندارد \*

۲ — در این ماده " آئین نامه " و در سازمان ( جزئیة مورد از تبصره مربوط به

ماده ۶ " آئین نامه " ( نامی از حوزه حزبی برده نمیشود . در حالیکه اساسنامه حداقل تعداد افراد حزبی در حوزه را سه نفر ( ماده ۱۳ ، بند " ب " اساسنامه ) معین کرده و آنرا حوزه حزبی نامیده است . " آئین نامه " همه جا از " هسته " های حزبی سخن میگوید . در اینجا نیز ، " آئین نامه " با حذف جمله مربوط به نقش حوزه حزبی در معرفی اعضای تازه وارد ، ضمن آنکه یکی از موازین و مقررات اساسنامه را خدشه دار کرده ، حق سازمانهای اولیه حزبی در کمک بحزب برای شناختن افراد تازه وارد ، حق شرکت سازمانهای اولیه حزبی در یکی از مهمترین عرصه های حزبی - سیاسی - ترکیب ، ساختمان و سرنوشت حزب را از آنان سلب نموده است .

۳- " آئین نامه " با چنین تجاوزی بحقوق اعضای حزب و سازمانهای اولیه آن در واقع به تنزل یافتن سطح صلاحیت و کیفیت اعضای تازه وارد حزب قانونیت بخشید و یکی از اصول مهم اساسنامه ای - " برتری کیفیت بر کمیت " - را نقض کرده است . بر این آسیب ، باید آسیب ناشی از کاهش کیفیت های سیاسی اعضای حزب را بجای بالا بردن آن و به بهانه " برتری کیفیت بر کمیت " با دست و بال گشاده اخراج کردن ها ، تعلیق ها ، برکناریها و پراکندگی های رفقای عضو حزب و شرکت کننده و پرخاسته از انقلاب و از جمله رفقای سرشناس و پیر سابقه و پرتحمل حزبی را نیز اضافه کرد .

۴- " آئین نامه " در این ماده به وافحیت " گوناگونی شرایط مشخص در داخل و خارج کشور " توجه کرده است . اما این " گوناگونی شرایط " را برای اشکال و شیوه های سازمان یابی پایه های اولیه حزب ، از جمله برای تاثیر در تعیین صلاحیت و سلامت افراد تازه وارد بحزب بکار نگرقت . برعکس ، این " گوناگونی شرایط " را محلی برای واگذاری حق تصویب عضویت به " هیئت سیاسی " قرارداد . در حالیکه " هیئت سیاسی " به - ویژه در " شرایط کار مخفی " هرگز قادر نخواهد بود ، بدون یاری وسیع حوزه ها - هسته ها ، کمیته ها و واحد های حزبی - توان تشخیص صلاحیت افراد را از راه دور داشته باشد .

۵- بند " ب " از همین ماده اساسنامه تصویب عضویت را حق کمیته مرکزی می داند . به کمیته مرکزی اجازه میدهد که ، میتواند این حق خود را به هر ارگانی که صلاح بداند واگذار کند . این - درست بمعنای در نظر گرفتن همان " گوناگونی شرایط مشخص " است ، و از این گذشته ، مگر " هیئت سیاسی " یکی از همان ارگانهای نیست که کمیته مرکزی میتواند به آن اختیار تصویب عضویت بدهد ؟ مگر ، با حفظ کامل بند " الف " اساسنامه ممکن نبود به حق کمیته مرکزی احترام گذاشت و تصویب عضویت را حتی برای تمام دوران کار مخفی در اختیار " هیئت سیاسی " قرارداد . محتوای حقوقی و مضمون سیاسی



تسجیل این حق برای کمیته مرکزی و مجاز شمردن کمیته مرکزی در واگذاری این حق خود به ارگان دیگر اینست که، کمیته مرکزی، اعضا و مشاورین آن پیوسته مسئول مستقیم پذیرش افراد به عضویت در حزب باشند. در ضمن حق داشته باشند که کار عملی تصویب پذیرش را با توجه به "گوناگونی شرایط مشخص" در اختیار ارگانی که لازم بدانند - از جمله "هیئت سیاسی" - قرار دهند، بر تعداد، ترتیب و کیفیت پذیرشها نظارت داشته باشند، کار ارگان و مسئولین مربوط به تصویب پذیرش را بموقع تصحیح کنند.

"آئین نامه" با حذف بند "ب" از ماده سوم اساسنامه و تصریح شرط پذیرش عضویت تنها از سوی "هیئت سیاسی" به پنهان "توجه" به گوناگونی شرایط مشخص در داخل و خارج کشور، این حق را از کمیته مرکزی سلب کرده، اعتبار و قدرت تأثیر آنها تضعیف کرده است. از میان رفتن "هیئت سیاسی" که قاعدتاً گرفتار مسئولیت های سنگینی هستند، دست و پال رفتن معینی را برای پذیرش بسی کنترل افراد به عضویت حزب و بنام "پنهانکاری" باز گذاشته است.

۶- تبصره بند "الف" از ماده سوم اساسنامه با یک "ویراستاری" مهم یکسره بدنبال مطالب ماده سوم "آئین نامه" آمده است. نکته مهم در اینجا اینست که بموجب اساسنامه، در صورت تقاضای جمعی "گروههای" از سازمانهای سیاسی "کمیته مرکزی" حق دارد استثنائاً "قرار پذیرش جمعی" را صادر نماید. از سابقه تاریخی افزودن این تبصره به اساسنامه و از ضرورت و اثرات آن که بگذریم، معنای حقوقی - سیاسی چنین حق استثنائی برای کمیته مرکزی اینست که، "کمیته مرکزی" حق دارد "چنین استثنائی" را رعایت نکند و در این مورد نیز اصل کلی اساسنامه را در مورد "پذیرش بحزب" اجرا کند. یعنی "قرار پذیرش جمعی صادر" ننماید. از افراد این گروهها بخواهد که آنها نیز بشکل انفرادی و یا بشکل دیگری که بصلاح حزب و بصلاح اعتلای رشد کیفی و سیاسی افراد آن "گروهها" از "سازمانهای سیاسی" و رعایت احترام همگان "سازمانهای سیاسی" نیز باشد - تقاضای پذیرش خود را برای عضویت در حزب مطرح کنند. این یک حق مهم و سیاسی کمیته مرکزی است و "آئین نامه" آنها از کمیته مرکزی سلب کرده است. یعنی، کمیته مرکزی را موظف کرده است که، در صورت تقاضای جمعی گروههای از سازمانهای سیاسی دیگر... کمیته مرکزی باید قرار پذیرش جمعی را صادر کند. "آئین نامه" حق ندارد که خود را این چنین بر اساسنامه تحمیل کند. این چنین اعضای کمیته مرکزی را موظف کند. این چنین حق بکار بردن هشیاری سیاسی در مورد "گروههای" از سازمانهای سیاسی دیگر را از کمیته مرکزی و اعضای آن سلب نماید. وحدت از بزرگترین آرزوهای ماست، اما در اینجا سخن بر سر مفاهیم حقوقی - سیاسی و اعمال آن



در مورد يك سازمان سیاسی معتبر و ارگان پراهمیت آن - کمیته مرکزی و اعضاء و مشاورین کمیته مرکزی است .

۷- علاوه بر همه اینها ، " آئین نامه " بندهای " ج " ، " د " و " ه " اساسنامه را حذف کرده است . بموجب بند " ج " - تقاضاکننده باید دو معرف داغته باشد ، حداقل سابقه حزبی این دو معرف سه سال معین شده است ، معرفی کنندگان موظف شده اند که معرفی شونده را از لحاظ سیاسی ، اجتماعی و اخلاقی بشناسند ، صلاحیت او را تصدیق کنند و از این جهت در پیشگاه حزب مسئول باشند . بند " د " اساسنامه گذراندن يك سال دوره آزمایشی را نیز شرط عضویت قرار داده است . " آئین نامه " همه ی این " صافی " ها را کنار گذاشته و " صافی " " تصویب هیئت سیاسی " را به عنوان شرط لازم و کافی برای جلب افراد به عضویت حزب در دست گرفته است . با چنین در و دروازه های باز برای عضویت در حزب ، موظف کردن کمیته مرکزی بر اینکه " باید قرار پذیرش جمعی " " گروههایی از سازمانهای دیگر " را " صادر کند " - نیز افزوده میشود ، و همه اینها - رعایت " اصول " و " شرایط پنهانکاری " " با توجه بندها گوناگونی شرایط مشخص " در " دوران کار مخفی " و " برتری کیفیت بر کمیت " نامیده - میشود !

۸- بر همه اینها ، باید حذف بند " ه " از همین ماده اساسنامه را هم اضافه کرد ، که سابقه حزبی رفقای تقاضا کننده را که محصول تحمل خطرات و فداکاری پرتلاش آنها " در شرایط کار مخفی " آنهاست ، دست کم تا " تصویب هیئت سیاسی " دچار ابهام و تعلق و تحویق میکند . و همگی - بمعنای زیر پا گذاشتن ارزش و احترام نسبت به حقوق فردی و اجتماعی اعضاء ، مسئولین و سازمانهای حزبی است !  
عنوان چهارم : " وظایف عضو حزب " - " آئین نامه " همین عنوان و متن آنرا عیناً از روی يك ماده و ۷ بند اساسنامه رونویسی ، و تنها در بند " و " يك ویراستاری غیر مهم وارد کرده است .

عنوان پنجم : " حقوق عضو حزب " - ماده پنجم اساسنامه ، شامل چهار بند و د و تبصره است . " آئین نامه " در ماده پنجم خود همین عنوان را با سه بند و يك تبصره آورده است . اساسنامه ، در بند " الف " برای عضو حزب : ( ۱ ) حق شرکت در بحث و حل مسایل مربوط به سیاست حزب را تصریح کرده است ، ( ۲ ) به عضو حزب حق داده تا در جلسات سازمانی که عضو آنست اظهار نظر نماید ، ( ۳ ) در مباحثاتی که در مطبوعات حزبی مطرح میشود شرکت کند ، ( ۴ ) در جلسات سازمانی که عضو آنست ، یا از طریق نوشته به ارگانهای بالاتر بمنظور آشکار ساختن نقائص کار و برطرف کردن آنها ، طرز کار هر يك

از ارگانها و مسئولین حزبی را در هر مقام که باشند مورد انتقاد اصولی قرار دهد. اساساً ضمن تبصره ای مفرد داشت: "مسائلی که طرح آنها در جلسات سازمانی که طرح — کننده عضو است میتواند به پنهانکاری حزب زیان برساند، باید در مقابل ارگانهای مربوطه انجام گیرد." با همه اینها — "آئین نامه بخود اجازه داده است که حق شرکت عضو حزب در بحث، شرکت وی در حل مسائل مربوط به سیاست حزب را، حق شرکت عضو حزب را در مباحثاتی که در مطبوعات حزب مطرح میشود — حذف کند (یادآور شویم که، در عمل مدتی است که نه تنها اعضای حزب از چنین حقی محروم شده اند، بلکه اقدام برخی از سازمانهای برادری و معتبر در مورد طرح مسائل عام، آموزنده و حاد اجتماعی — سیاسی برای جنبش و جامعه (نظیر: "برای دستیابی مسترک به حقیقت") (تحریم شده است). "آئین نامه" "حق انتقاد اصولی عضو حزب" "از طرز کار ارگانها و مسئولین حزبی در هر مقام که باشند" را از دستور اساسنامه زدوده است. "آئین نامه" بر پذیرش این "حق" برای عضو حزب تظالم کرده است که "حق دارد" "نظرات خود را در هسته ها و یا واحد حزبی (با در نظر گرفتن ساختار حزب در شرایط کار مخفی در داخل و خارج از کشور) پیرامون سیاست و خط مشی حزب اظهار دارد". گذشته از قیودی که در این باره آمده است، گذشته از کلیتی که بحقوق عضو حزب در حد بیان و "اظهار نظر" پیرامون سیاست و خط مشی "داده شده است، برای "آئین نامه" — اینکه به این "اظهار نظرها" تا چه اندازه اعتنا بشود، یا "اظهار نظر" کننده و شخصیت حقوقی و سیاسی و اجتماعی وی چه رفتاری میشود و چه نباید بشود — عملاً آن مسائل مهمی نیست که در شان "آئین نامه" باشد و توجه به آنها را در وظیفه خود بدانند. "آئین نامه" برای آنکه "دمکراسی" و "اصولیت" را هم "رعایت" کرده باشد، به عضو حزب اجازه میدهد که "حق نوشتن" داشته باشد، "از طریق نوشتن نامه" ولی حتماً "بشکل انفرادی" و "از کانال تشکیلاتی" به ارگانهای بالاتر، بمنظور آشکار ساختن نارسائیهها و یا بر طرف کردن آنها به انتقاد اصولی و خلاق بپردازد. اما، وقتی ما همهها و سالها به نظریه های مکرر "اظهار نظر" کننده اعتنائی ننشد، در عمل نیز از نتیجه ی آن اثری نیافت، "بشکل انفرادی" نامه نوشتن و نتیجه نگرفت، باز هم و باز هم حق ندارد با رعایت "پنهانکاری" مطالب خود را در "ارگانهای مربوطه" (نقل از اساسنامه)، از قبیل حوزه، سازمان مربوطه حزبی، ارگانهای مطبوعاتی و نظائر آن — مطرح کند. بگوئید، بشنود، قانع کند، قانع بشود. عضو حزب، که تعداد آن از دعوا و صدها متجاوز است، نباید امکان تصحیح و تکمیل نظر خود را داشته باشد، بلکه باید باز هم و باز هم "نامه بنویسد" "انفرادی" ادامه بدهد. نظریات

برخاسته از اندیشه و تحلیل و یا تصویر و ذهنیات فردی خود را آنقدر تکرار کند تا بسته  
بباید و پرخاشر کند، و آنگاه سرکوب شود. چه "تربیت سیاسی" آسان و چسه  
"ارتقا" کیفیت "پرمحتوائی" و توجه به همه اینها و نظائر آن در "شان نزول" يك  
"آئین نامه اجرائی" سازمانی نیست؛ یا وقتی "کانال تشکیلاتی" خود آلوده و مسدود  
باشد، این "نامه نویس" منفرد باید آنقدر در این "کانال تشکیلاتی" آلوده و مسدود  
دست و پا بزند تا سرانجام در آلودگیهای آن مدفون گردد؛ "آئین نامه" چنین "حق"  
و "حقوقی" را برای عضو حزب قائل است. اما عضو حزب توده ایران - توده ایست  
و بیگفته لاهوتی ارجمند - بحرکت آورنده ی گردش جهان بگام توده هاست.

بند "د" از این ماده اساسنامه در بند "ج" "آئین نامه" گنجانده شده است.  
ضمناً "تبصره بند" ب" اساسنامه در مورد حقوق اعضای آزمایشی، طبقاً "بدلیل حذف  
اصل اساسنامه ای در مورد دوره آزمایشی برای داوطلبان عضویت در حزب - بوسیله  
"آئین نامه" بکلی حذف شده است.

باین ترتیب، "آئین نامه" در این عنوان از اساسنامه حزب نیز، بسیاری از حقوق  
مسلم اعضای حزب را نغی و بسیاری از موارد مهم اصول سازمانی حزب طراز نین طبقه کارگر  
را کنار گذاشته است.

عنوان ششم: "مجازات حزبی" - سه ماده و يك تبصره اساسنامه را در بر گرفته  
اما در "آئین نامه" با دو ماده و دو تبصره آمده است. مطالب این قسمت از "آئین  
نامه" در مقایسه با مطالب پیشین - با پس و پیش کردنها، برهم زدن نظم آن در  
اساسنامه و با درعم آمیختگی های بیشتر و نیز یا حذف و افزایش های زیادتری آمده است.  
"آئین نامه" از قسمت اول ماده ۱۶ اساسنامه یکی از انواع مجازاتها، یعنی "تبدیل  
عضو اصلی به آزمایشی" را حذف و بقیه را بهمان ترتیب نقل کرده است. آنگاه از وسط  
مطالب ماده ۷ اساسنامه شرط تصویب اخراجها از سوی "کمیته مرکزی یا ارگان هائی که  
کمیته مرکزی به آنها در این مورد اختیار داده باشد" را حذف کرده، بجای آن افزوده -  
است: "اشد مجازات وقتی رسمیت خواهد یافت که از طرف هیئت سیاسی و یی  
ارگانهائی که هیئت سیاسی به آنها در این مورد اختیار داده است، بتصویب برسد".  
اولاً، چنانچه در مورد دیگر هم آمده است، چرا بدون دست بردن در موازین  
اساسنامه، کمیته مرکزی بر حسب حقوق اساسنامه ای خود نتواند اختیار تصویب اخراج را به  
"هیئت سیاسی" - که یکی از ارگانهای حزبی بشمار میآید - واگذار کند؟ دوماً این  
کدام ارگان یا "ارگانهائی" است که هیئت سیاسی میتواند به آنها در مورد تصویب اخراج  
اعضای حزب "اختیار" بدهد، ولی کمیته مرکزی نمیتواند و حتی حق ندارد از نام و عنوان

این "ارگانها" اطلاع‌داسته باشد؟ ثالثاً "، چرا حتی همین "حق" واگذاری اختیاریه "ارگانها" می نامعلوم را نتوان از کمیته مرکزی بر حسب همان ماده اساسنامه گرفت و این چنین آشکار و بی محابا کمیته مرکزی را به سلب اختیار در استفاده از حقوق اساسنامه‌ای خود مجبور کرد؟ رابعاً "، بعد از گرفتن این حقوق از کمیته مرکزی و واگذاری آن به "هیئت سیاسی" و ارگانهایی که "هیئت سیاسی" به آن اختیار میدهد، چرا کمیته مرکزی حق نداشته باشد اخراجها را کنترل کند. اگر چنین حقی را دارد چرا از همه آنچه که گرفتاری است صحبت میشود بلی از آنچه دادنی و تعهد سپردنی است، سخنی در میان نیست؟

"آئین نامه" از ماده ۷ اساسنامه درباره شرط اخراج عضو حزب این جمله مهم را، جمله: "در موارد فوق العاده و زمانی که تخلف عضو حزب دارای شدت ویژه‌ای باشد، فرد مرتکب از حزب، اخراج میگردد" - را حذف کرد. آنگاه بدنبال مطالبی که خود تنظیم کرد، جملات آخر از قسمت اول ماده ۷ اساسنامه را آورد، اما از آخر آن جمله پس مهم و حقوقی - سیاسی دیگر، جمله: "به اظهارات و شکایات عضو مورد اتهام توجه کامل مبذول دارد"، را نیز حذف کرده است و با چنین کار صدور احکام "محلومیت غیابی" را مجاز شمرده است.

"آئین نامه" پس از این کار به قسمت اخیر ماده ۶ اساسنامه بازگشته، مفهوم تحریف نشده، مبهم و نامشخص "هسته‌ها یا واحد حزبی" را بجای مفهوم روشن و معین "هر سازمان" نشانده. پس از همه اینها، "آئین نامه" قسمت آخر ماده ۷ اساسنامه را در مورد غیبت های متوالی و خودداری از پرداخت حق عضویت - این اصل مهم سازمانی - تربیتی در حزب طراز نوین طبقه کارگر را - به کناری افکنده، بجای آن "تبصره" جداگانه‌ای بر ماده ۶ خود افزود و با آن - بدعت حیرت انگیزی را آورده است. بموجب این بدعت - حق تصمیم گیری درباره غائبین و امتناع کنندگان از پرداخت سه ماه حق عضویت بدون عذر موجه به "هیئت سیاسی" واگذار شده است.

ممکن است برخی "مدافعان" حزب (یعنی "مقامات بالا")، وجود برخی ملاحظاتی از جمله "کار مخفی" را در این مورد نیز دستاویز "دفاع" از اینگونه مواضع انحرافی و طرفداران آن قرار دهند. ولی، توجه داشته باشند که برای حل مسئله "عدم حضور" پیاپی، در جلسات سازمانی و عدم پرداخت حق عضویت، نه "سرباز زدن" از "پرداخت حق عضویت" - که "آئین نامه" بکار برده است - راه و راههای دیگری، غیر از نقض فاحش اصول سازمانی حزب طراز نوین طبقه کارگر و نفی تأثیر تربیتی - سیاسی آن وجود دارد. توده حزبی هر روزهای "کار مخفی" و ضرورت دیگری را بخصی

درک میکند و بهیچ روی خواهان شکستن مرزهای " پنهانکاری " و نیازهای حزب یعنی ، خواهان شکست مبارزات و ناپودی خود و دیگران نیست . در این مورد نیز ، مانند بسیاری موارد دیگر ، کار " آئین نامه " نشان دهنده نقض حشن حقوق اعضای حزب و سازمانهای پایه ای اولیه حزب است .

ماده ۸ اساسنامه در مورد اخراج و تعلیق اعضای کمیته مرکزی و مشاورین آنست ، که تبصره ای نیز به همراه دارد . این ماده و تبصره آن با ویراستاریهای غیر مهمی بصورت ماده ۷ " آئین نامه " و قسمت اول از تبصره آن در آمده است . بدینال آن حکم دیگری شبیه احکام پیش گفته افزوده شد . آنرا عیناً " می آوریم :

" اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی و نیز کادرها و اعضای حزب که به انتشار " نامه سرگشاده " درباره ی مسائل درون حزبی اقدام کنند ، صرف نظر از هدفهایی که تعقیب میکنند ، شامل مفاد این تبصره نخواهند بود . در مورد اخراج چنین افرادی هم از کمیته مرکزی و هم از حزب ، هیئت سیاسی میتواند تصمیم بگیرد ."

اولاً " مفاد ماده ۸ اساسنامه و تبصره آن که به قسمت اول ماده ۷ " آئین نامه " منتقل شد ، اصلاً " ربطی به " کادرها و اعضای حزب " ندارد ، بلکه صرفاً " مربوط به اعضای کمیته مرکزی و مشاورین آنست . ثانیاً " - مفاد این تبصره اشاره شده ، بر این نکته تکیه میکند که ، استحقاق اخراج میبایست " بر اساس دلایل موجود " و اثبات کننده ی فقدان " صلاحیت سیاسی " تا حد " مستحق اخراج " بودن ، آنهم در مورد اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی باشد . یعنی ، در مورد کادرها و اعضای حزب این اصل ( اصل " صلاحیت سیاسی " در معنای داشتن " صلاحیت سیاسی " تا حد عضویت اصلی یا مشاورت کمیته مرکزی ) - صادق نیست . در این مورد اصل دیگری مطرح است : اصل " ترتیب سیاسی " ، اصل تبییه های دیگر ، از جمله - " تنزل یک یا چند درجه مقام و مسئولیت حزبی " . باین ترتیب بهر التزامی " شامل مفاد این تبصره نخواهند بود " یک جمله سازی بی محتوا و در بهترین حالات ناشی از پراشفتگی های بی مسئولیتی است .

مضمون جملات " آئین نامه " نشان میدهد که میخواهد بگوید : اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی و نیز کادرها و اعضای حزب حق ندارند به " انتشار " نامه سرگشاده " درباره مسائل درونی حزب اقدام کنند " . " آئین نامه " مطلب را پیچیده و سردرگم کرده است .

میخواهد بگوید ، هر گاه عضو اصلی یا مشاور کمیته مرکزی ، و نیز اگر کادرها و اعضای حزب به " انتشار " نامه سرگشاده " درباره مسائل درونی حزب اقدام کنند " بدون آنکه " بدلائیل موجود " ی استناد شود ، بدون آنکه به " صلاحیت سیاسی " وی توجه شود و

بدون آنکه " مستحق اخراج " بودن وی به اثبات برسد ، " صرفنظر از هدفهائی که تعقیب کرده باشد ، یعنی اگر در این هدفها منافع حزب و انقلاب هم تعقیب شود - بهر حال اخراج میشود . حق اتخاذ تصمیم در این باره هم فقط با " هیئت سیاسی " است ، نه کمیته مرکزی !

با اینطال ببینیم " نامه سرگشاده " چیست و چه اصطلاحی است که " آئین نامه " بکار میرود ؟ نامه ای که در بالای آن چنین عنوانی باشد " نامه سرگشاده " است یا آنکه هر مطلبی که بدون دانستن این عنوان دارای مطالبی خطاب برفقاهای حزبی باشد " نامه سرگشاده " بحساب میآید ؟ آیا ممکن است از " آئین نامه " پرسید که چرا نباید در حزب به برقراری آن نظم و آن روابطی کمک کرد که ، کار را به انتشار " نامه سرگشاده " نکشاند ؟ چرا به ایجاد آن وضعی در حزب یاری نرسانیم که توده حزبی و اعضای پرستولیت حزب را بستوه نیآورد و آنها را بنگاشتن " نامه سرگشاده " یا " مراجعه برفقاهای حزبی " و نظائر آن - مجبور نکند ؟ وقتی " آئین نامه " طبل خاموشی و اختناق و اخراج را پصدا در میآورد ، آنگاه تکلیف نگارندگان نامه های بی جواب مانده و به بایگانی ها برای روز مبادا سپرده شده ، تکلیف رفقای دارنده تحلیل های هشدار دهنده ی درست و مورد بی اعتنائی قرار گرفته چیست ؟

" آئین نامه " میگوید : " اعضای حزب که به انتشار " نامه سرگشاده " درباره مسائل درونی حزب اقدام کنند ، صرفنظر از هدفهائی که تعقیب میکنند ، شامل ۱۰۰۰ اخراج خواهند بود " و " در مورد اخراج چنین افرادی ۱۰۰۰ هیئت سیاسی میتواند تصمیم بگیرد " در اینجا حق دیگری از کمیته مرکزی سلب شده است ، زیرا بموجب آن نه تنها در اینگونه موارد کمیته مرکزی فاقد حق تصمیم گیری شده است ، حتی دیگر حق ندارد موارد استناد شده در اینگونه نامه ها را مرد رسیدگی قرار دهد ، " دلایل موجود " ی که ، انتشار دهنده را ناگزیر به نشر " نامه سرگشاده " کرده است - رسیدگی کند ، میزان " صلاحیت سیاسی " انتشار دهنده و " مستحق اخراج " بودن ویرا ارزیابی کند . همه این کارها را " هیئت سیاسی " میکند ، " تصمیم " میگیرد ، آنرا اعلام میکند . حتی در " آئین نامه " لازم دیده نشد که درباره اینگونه تصمیمات گزارشی ، توضیحی را از سوی هیئت سیاسی به کمیته مرکزی ضروری دانسته شود . باین ترتیب " آئین نامه " کمیته مرکزی را موظف کرده است که تسلیم اینگونه اخراجها باقی بماند . بخاطر حیثیت و اعتبار حزب و ارگانهای آن یکسال و نیم تمام ( حداقل فاصله میان دو پلنوم - از ماده ۱۳ " آئین نامه " ) از چنین " تصمیمی " دفاع کند و سپس اگر از سوی " هیئت سیاسی " صلاح دیده شد که در این باره توضیحی داده شود و اگر کمیته مرکزی  $\rightarrow$  اُت و قدرت  $\rightarrow$  را داشت که نادرست بودن آنرا ثابت کند ،



دیگر کارها از کار گذشته ، موارد مورد اعتراض " نامه سرگشاده " به تحقق پیوسته ، زبانباری ها بیارآمده ، حیثیت و آبروی ناشر بیگانه " نامه سرگشاده " برباد رفته ، مورد طعن و لعن قرار گرفته ، به زمین و زمان بدبین شده ، از ذوق و شوق و حال افتاده ، از همه جا مانده و از همه جا رانده ————— شده است .  
 آنگاه است که اگر اوضاع و احوال و شرایط اجازه داد ، تازه باید بدنبال " مرجعی " گشت تا از راه بازسازی و نواندیشی شاید بتواند خطاها را جبران کند ، به " اعاده حیثیت " از حیثیت های برباد رفته و اشخاص از جهان در گذشته بپردازد .

عنوان هفتم : " ساختمان حزب " - عنوان " ساختمان حزب " در ماده ۶ و دو تبصره هفتمین ، و پس از آن به ترتیب عناوین : " کنفرانس ها " در سه ماده ، " کمیته ها " در چهار ماده ، و " کمیسیونهای نظارت " در یک ماده - و همین عنوان اساسنامه است . مجموعه این عناوین شامل ۱۴ ماده از مواد سی و ششگانه اساسنامه حزب را در بر میگیرد ، که ساخت پیکره ای حزب و نظم سازمانی آنرا مشخص میکند . " آئین نامه " هشت ماده اساسنامه را در مورد سه عنوان اخیر مسکوت گذاشت . از عنوان " ساختمان حزب " شش ماده و دو تبصره را همراه با تخییراتی فاحش و متناقض در چهار ماده با همین عنوان آورده است .

اساسنامه در ماده نهم " مبنای سازمانی حزب را مرکزیت دمکراتیک " معین میکند و نکات اساسی آنرا در چهار بند و دو تبصره میآورد . " آئین نامه " نیز در ماده ۸ خود " مبنای سازمانی حزب را مرکزیت دمکراتیک " اعلام کرد . ولی ، بدنبال آن ، " اما " بی آورد که ، مرکزیت دمکراتیک را نفی میکند : " اما ، با توجه به فعالیت پنهانی حزب ، مرکزیت اولویت پیدا میکند " .

اولا ، این " فعالیت پنهانی حزب " یعنی چه ؟ این اولاً - بخصوص طی پنجمال اخیر بکار گرفتن اصطلاحاتی مانند " پنهانکاری " ، " کار مخفی " ، " فعالیت پنهانی " سخت برای برخیها باب طبع شده است و در حزب بصورت " مد روز " درآمد . در زیر این پرده " پنهانی " است که هر تخلف ، هر خودسری ، هر تجاوزی بحقوق عادی اجتماعی ، سیاسی و انسانی بعنوان " مصالح " حزب و " دفاع " از " مرکزیت سازمانی " مجاز و قانونی بشمار میآید . در برابر آن نیز اصطلاحاتی نظیر " عنایت " ، " شفافیت " و " افشاکاری " بمقابله برخاسته ، هرگونه هرچ و مرج طلبی ، هرگونه پرخشکگری و هرگونه آشفتگی را کاری در مصالح دفاع از " دمکراسی حزبی " بحساب میآورد . مبارزه بر علیه این هر دو گرایش و وظیفه جدی و انقلابی هر توده ای صادق است .

باید علیه "مرکزیت" طلبان "پنهانکار" بدفاع از دموکراسی حزبی، و علیه "دموکراسی" خواهان پراکندگی طلب بدفاع از مرکزیت سازمانی برخاست. چنین کاری نیازمند داشتن درک لینی از مرکزیت دمکراتیک و هنر سازماندهی، داشتن اندیشه های عمیق "بازسازی" شده و نواندیش مارکسیست - لنینیستی - ازیکسو، و سازمان پذیری، خونسردی، فداکاری، مقابله با تشنج آفرینی، شهامت، نزدیکی های اصولی، استدلال و اقتناع برای پذیرش مسئولیت مشترک در حرف و عمل - ازسوی دیگر است. "کنفرانس ملی" خواست از راه "پیشدستی" ابتکار عمل را از کادرها و توده های حزبی بگیرد، ولی مرتکب خطاها و انحرافات فاحش شد. بسیاری از این انحرافات فکری و خطای عملی را همه - پذیر کرد. و اینک - همفکری، وحدت و عمل کادرها و اعضای پر قدرت - ولی پراکنده - کنونی حزب میبایست آن کارهای در نیمه راه مانده و برگرد کسانده شده، و این خطاهای فاحش را جبران کند. باید افزود که هر دو گرد هم آئی های ماهیتا "بکلی متفاوت - پلنوم چهارم (وسیخ) و "کنفرانس ملی" - هر دو، در شرایط مخفی، در بدترین شرایط مخفی دوران خود سازمان یافته و برگزار شده اند.

مجموعه حزب توده ایران با همه ضعفهای کنونی آن "کنفرانس ملی" نیست تا بتوان با گرفتن "قطعه نامه" از آن، "آئین نامه" ای این چنین فصاحت بار بیرون کنید. خیر رفا! جهان درد دوران بازسازی اندیشه ها و عمل است - دوران بازگشت به لنین، دوران انقلاب کبیراکتبر و تکامل آن در مرحله نوین رشد اجتماعی. این مرحله مختص یک یا چند کشور جداگانه یا بهم پیوسته نیست. نسیم بازسازی و نواندیشی بر سراسر جهان روح و شور و نوای تازه دمیده است. چشمها را بگشائید!

ثانیا "مرکزیت دمکراتیک" یک واحد جدائی ناپذیر شامل دو جز ترکیبی، دو عنصر و دو منبع برای شکل یابی این واحد مشخص یعنی - مرکزیت برخاسته از دموکراسی و دموکراسی سازنده مرکزیت است. همچنانکه "مرکزیت" بمعنای "مرکز" هر چه بخواهد بکند نیست، دموکراسی نیز - بمعنای هر که هر چه بخواهد بکند نیست. "مرکزیت" در مفهوم مارکسیست - لنینیستی بمعنای زیر فشار توده بودن و "دموکراسی" بمعنای تأثیر توده برای تمرکز یافتن است. مفهوم واحد کل و ترکیبی از دو عنصر جدائی ناپذیر بودن "مرکزیت دمکراتیک" نیز در همین است. این "مرکزیت دمکراتیک" مارکسیست - لنینیستی، بر زندگی فکری، سیاسی و اجتماعی احزاب، سازمانها و گروههای اجتماعی؛ در تمام عرصه های فعالیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، هنری و زندگی اجتماعی و فردی آنان اثر میگذارد. شرایط جوشش پویا ترین عوامل انسانی را در سمت و سوی ترقی و شکوفائی فراهم میآورد. تجزیه هر یک از این دو عنصر و جدائی آنها از یکدیگر "مرکزیت



دمکراتیک " را از کیفیت و محتوا و ماهیت خارج میکنند \* یکی - خودکامگی ، استبداد و جنایت ، و دیگری - هرج و مرج و آسفتگی و سردرگمی پدید میآورد \* نتیجه خود - بخودی این آخرین - بازگست به خودکامگی و استبداد و جنایت ، و نتیجه معمولی آن اولین - سقوط استبداد و پیدایش هرج و مرج و آسفتگی و سردرگمی است \* لذا ، بار دیگر نیز ، در اینجا باید جدا کنندگان " مرکزیت " از " دمکراسی " را به درک و فهم بازسازی و نواندیشی سوق داد \* بازسازی را باید از اندیشه و مغزهای متحجر و کهن و نیز از تفکرات آسفته پرداز " نوین " آغاز کرد \*

باز هم و باز هم ، بر ضرورت بازسازی و نواندیشی و آغاز بازسازی از شیوه تفکر انگست میگذاریم و بر ضرورت بسیج همگانی و سازمان یافته توده های حزبی و انقلابی در این راه تأکید میورزیم \* آسفته پرداز و نیمه حقیقت گوئی بدترین و خطرناکترین دشمنان مارکسیسم - لنینیسم و از آنجمله نفرت انگیزترین دشمنان بازسازی و نواندیشی است \* کمونیستها و نیروهای مترقی امروزین کشور ما بی مبالغه از پیگیرترین هواداران بازسازی و نواندیشی برخاسته از رشد و تکامل و نوآوری اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم هستند \* زیرا ، از تسلط اندیشه های کهن و متحجر در حزب و در شرایط بی دفاعی اجتماعی و پراکندگی ها - پرفاجعه ترین خسارات را تحمل کرده اند \*

" آئین نامه " - بند " الف " اساسنامه و تبصره آن در مورد انتخابی بودن همه ارگانهای رهبری حزب از پائین بیابا با رأی مخفی و در موارد استثنایی و تشخیص ضرورت از سوی جلسه سازمانی انتخاب کننده ، اخذ رأی علنی را ، بند " ب " اساسنامه در باره " رعایت انضباط حزبی ، اجرای دستورات و تصمیمات حزبی و تبعیت اقلیت از اکثریت " ، بند " د " اساسنامه در مورد حتمی الاجرا بودن تصمیمات ارگانهای بالاتر برای ارگانهای پائین تر " و تبصره آن در باره امکان انتصاب مسئولین و تأمین شدن اصل انتخابی بودن ارگانهای رهبری و گزارش دهی منظم در شرایط کار مخفی را در دیناله ماده ۸ خود چنین خلاصه کرده است که :

" ساختمان حزب در شرایط کار مخفی بر اساس عدم تمرکز و حتمی الاجرا

بودن رهنمودهای عالیترین ارگان حزبی در این باره خواهد بود \* اعضای

کمیته مرکزی و هیئت سیاسی انتخابی هستند \* "

مطلب را از " انتخابی هستند " آغاز کنیم :

اساسنامه ، " انتخابی بودن " را در مفهوم مشخص شرکت مستقیم اعضای حزب در

انتخاب مسئولین ریموجب مقررات اساسنامه ای آن مطرح کرده است \* در اینجا ، اساسا اصل را بر رأی گیری مخفی و استئنا را - در صورت تشخیص " ضرورت " رأی گیری علنی

( که خود جای بحث است ) - بمعنای شرکت اعضا و استقلال رأی ( در ترکیب آن با مصالح حزب ) مطرح کرده است . در واقع - مخفی کاری و آشکارگری بخاطر حزب ، یعنی همه چیز بخاطر حزب ، بخاطر مبانی سازمانی آن - بخاطر " مرکزیت دمکراتیک " به منظور تأمین شناخت علای غروری حزب برای حضور حزب در جامعه و دستیابی به آزادیهای دمکراتیک و فراگیرترین جنبشهای ترقیخواهانه برای همه مردم .

" آئین نامه " این اصول ، از جمله اصل شرکت توده حزبی در انتخاب ارگانهای حزبی را از میان برداشت و بجای آن مدعی شد که تنها گویا " اعضای کمیته مرکزی و هیئت سیاسی انتخابی هستند [ ! ] ؟ چگونه " انتخابی " هستند ؟ - نگاه کنیم :

از کنگره دوم حزب اینک ، بیش از چهار سال میگذرد . در پلنوم چهارم ( وسیع ) تنها پانزده عضو کمیته مرکزی منتخب کنگره حضور داشت . از پلنوم چهارم سی سال گذشته است . از آنزمان تا کنون پیوسته تعداد این اعضای منتخب کنگره کاهش یافته . همیشه افراد کمیته مرکزی برگمارده شده اند . اکنون همگی مجمعی از برگمارده شدگان هستند . از اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی منتخب کنگره دوم دیگر تقریباً " کسی باقی نماند و باقی ماندگان را نیز در کمیته مرکزی حضور و نقشی نیست . برگماری از پی برگماری و مجموعه ای از برگماردگان و از جمله برگماری در " کنفرانس ملی " و برگماری های " کنفرانس ملی " و حالا ، این " آئین نامه " برخاسته از " کنفرانس ملی " چنانکه در عنوان بعدی خواهیم دید ، آنچنان با چاقوی نی تراشی ، " آئین نامه " ، " نی " عالیترین ارگان رهبری " را با هدف " اولویت مرکزیت " تراشید ، که سرانجام ، این " عالیترین ارگان " در شخص - و " شخصیت " دو و آنگاه یکنفر خلاصه شده است . و اینک ، سخن اینست که چون برگماردگان خود یکدیگر را " برگزیده " اند ، پس آنان همگی " منتخب " توده حزبی و محرف اندیشه و شخصیت اعضای حزب هستند و " برگزیده " گان برگماردگان " عالیترین ارگان حزب " است .

توده حزبی خواهان کنگره حزبی هستند . از پلنوم چهارم تا پلنوم هفدهم پیوسته تعهد داده شد که کنگره سوم حزب هر چه زودتر منعقد شود . پیوسته با بهانه هایی به تعویق افتاد و اینک نیز ، تشکیل کنگره حزبی در شرایط کنونی کاملاً " ممکن است " اندیشه های بازسازی شده و نسبی توانائی برگماری آن را دارد . توده حزبی بقدر کافی هشیار و نوآور است .

اصل " گزارش دهمی منظم ارگانهای رهبری به سازمانهای مربوطه " نیز بوسیله " آئین نامه " بکلی حذف شد . زیرا که " هسته " سازی و " واحد " بازی گوئی که دیگر در بالا و پایین رهبری " سازمانهای " هظه " ای پائی نگذاشته است که به حساب آوردن آنها و

گزارش دادنها ضرورتی داشته باشد \* برگارده را حق و توان گزارش خواهی نیست ، زیرا از برگاری به برگاری خواهد رسید \* پس میتوان برگاردارگان را نساند ، به آنها آنچه را که به خیراست " گزارش " داد و آنچه را که به " صلاح " نیست - نداد \* زیرا تا برگاردارگان خود را شایسته برگاردارگی بدانند - برگارده اند و تیان سخن ندارند ، و چون ، زبان بازکنند از برگاردارگی به برگاری میرسند \*

چنانکه دیگر بکلی روشن است ، " آئین نامه " اساسنامه حزب توده ایران را لغو کرده ، " اساسنامه " جدیدی " بنام " آئین نامه اجرایی " آورده است \* درست بهمین دلیل که " آئین نامه اجرایی " یک اساسنامه " جدید " است ، برخی از مسوود اساسنامه را فحلا " و ظاهرا " مورد " تأیید " قرار داد \* از قبیل : عنوان اول - " تعریف حزب " ، عنوان دوم - " عضویت در حزب " و نیز برخی از عناوین را حفظ کرد ، مسوادی را دست نخورده نگاه داشت ، بقیه را بکلی دچار تغییر ماهوی و مضمونی کرد \* از جمله در همین عنوان " ساختمان حزب " و سه عنوان بعدی آن ، چنانکه نشان داده شد ، پند - پند مواد و تبصره ها بوسیله " آئین نامه " حذف و یا دستخوش دستبرد کامل شده است \* اما از همه اینها ، تنها یک ماده - ماده ۱۱ اساسنامه - یعنی :

" ۱۱ - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان از نظر سرسختن پراعتبار خلق آذربایجان دارای کمیته مرکزی یا حقوق کمیته ایالتی است \* این سازمان بنام فرقه دمکرات آذربایجان نامیده میشود " -

دقیقا " بدون هیچ دست نخوردگی در " آئین نامه " آمده است \* در اینجا باید دو مسئله اصولی را از یکدیگر تفکیک کرد \* یکی - فرقه دمکرات آذربایجان و سنن پراعتبار خلق آذربایجان ، دوم - طرح مسئله داشتن کمیته مرکزی یا حقوق کمیته ایالتی برای سازمان حزب توده ایران \*

نمیتوان در اعتبار خلق مبارز و قهرمان آذربایجان ، در سنن پریار اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، ادبی ، هنری و انقلابی مردم رزمنده و آفریننده آذربایجان ، در نقض فرقه دمکرات آذربایجان برعهی شیخ محمد خیابانی ، در تلاشهای مردم فداکار آذربایجان در سال های ۱۳۲۴ - ۱۳۱۵ برهبری مبارز فقید سید جعفر جوادزاده خلخالی ( پیشه وری ) برای دستیابی برشد ملی ، رشد اجتماعی ، رشد فرهنگی در سراسر ایران تردیدی داشت \* در اینجا ، سخن برسر علت و ماهیت شکست جنبش عمیق " ملی - انقلابی " مردم شرافتمند آذربایجان در آذرماه سال ۱۳۲۵ ، با روح همجوشی و تلاش متحد و یگانه برای آزادی و شکوفائی سراسر ایران ؛ بررسی مقصرین و درجات تقصیر در کشتار وحشیانه هزاران شهید و قهرمان آذربایجانی ، حبس و شکنجه و تبعید دهها هزار مبارز و خانواده های

آنان و از جمله سائحه " تصادف " و مرگ مبارز فقید پیشه وری و خانواده ی وی نیست . سخن بر سر نقش منطقه مهاجرت و سازمان فرقه دمکرات آذربایجان در پرورش کادرهای انقلابی و دانشمندان برجسته ای نظیر عبدالحسین آگاهی و انوشیروان ابراهیمی و دهها و دهها تن دیگر ؛ سخن بر سر علل بیگانه نگه داشتن هزاران مبارز آذربایجانی در مهاجرت مانده و از زندگی سیاسی ، اجتماعی ، عادات و اسلوب فرهنگی جامعه ایران و از آنجمله آذربایجان ؛ سخن بر سر دلایل بدورنگه داشتن آنان از امکان شرکت فعال و مستقیم در انقلاب عظیم جمهوریخواهی و مردمی بهمن ماه سال ۱۳۵۷ و اصولاً " سخن بر سر مجموعه فرقه دمکرات آذربایجان بمنزله یک سازمان انقلابی ، دستاوردها ، خطاها و نارسائیهای آن مانند هر سازمان دیگر نیست .

سخن در اینجا - بر سر طرح مسئله ای از سوی " آئین نامه " کذائی بنام " حفظ " سازمان حزب توده ایران " با " حقوق کمیته ایالتی " و " دارای کمیته مرکزی " در دو استان بزرگ ایران و " هنر " نمائی مربوط به آن است .

در سرپای " آئین نامه " سخن بر سر اینست که " شرایط مخفی " در داخل و خارج کشور یکسان است . در چنین شرایطی ، بموجب تصریح و اصرار " آئین نامه " ، حزب نمیتواند و نباید دارای حوزه ، کنفرانسها ، کمیته های محلی ، شهری ، ولایتی ، ایالتی و کمیسیونهای نظارت باشد . تشکیل کنگره حزب هم ممکن نیست . بموجب " آئین نامه " همه ی ساختمان حزب در " هسته " ها ، " واحد " ها ، " کمیته مرکزی " هیئت سیاسی و دو نفر دبیر خلاصه شده است . بگفته و به اصرار " آئین نامه " " حزب در شرایط کار مخفی دارای معیار واحدی برای داخل و خارج کشور است " . بموجب تصریح روشن " آئین نامه " در ماده ۸ آن ؛ " ساختمان حزب در شرایط مخفی بر اساس عدم تمرکز ... خواهد بود " . با همه اینها " آئین نامه " در حالیکه تمام مواد مهم و اساسی مربوط به ساختمان حزب را - از حوزه ها گرفته تا کمیته های ایالتی و کنگره - نفی کرد ، ماده ۱۱ اساسنامه را دقیقاً و بطور کامل در ماده دهم خود منتقل کرده است .

ما از " منصوبیت " " آئین نامه " اطلاع دقیقی نداریم . هر چه باشد " خودی " یا غیر " خودی " کلاً توهین آمیز و فریبکارانه " آئین نامه " در آنجا بروز میکند که ، علیرغم ادعاهای پرطمعراق خود درباره " شرایط کار مخفی " که آنرا " شامل همه سازمانها و همه افراد در داخل و خارج کشور " دانسته است ، از روی " محبت " و " شدت " " علاقه " سازمان حزب توده ایران در آذربایجان را " دارای کمیته مرکزی با حقوق کمیته ایالتی " میشناسد .

" آئین نامه " با ردیف کردن " کنفرانس ملی " ، " سرتاسری " ، " کنگره " و " پلنوم

وسیخ " در کنار یکدیگر از حدود ، حقوق و وظایف این مجامع سخنی بمیان نمی آورد ، اما موافقت میکند که :

" حزب میتواند کنفرانس های ملی یا سرتاسری و در صورت امکان کنگره و

یا پلنوم وسیخ تشکیل دهد " .

" آئین نامه " در حق " شرکت کنندگان در آن " کنگره ، کنفرانس و پلنوم وسیخی که " توان " و " امکان " تشکیل آن با " تصمیم " گیری کمیته مرکزی - بنحوی که توضیح

داده شد - تأیید شود ، اعلام موافقت کرده است که در چنین صورتی :

" شرکت کنندگان در این ارگانها دارای حق رأی خواهند بود " .

آنگاه بدنبال این برخورد ظاهراً " دمکراتیک " چنین گفته می شود :

" شرکت کنندگان در کنفرانس ملی یا سرتاسری ، کنگره یا پلنوم وسیخ با در

نظر گرفتن شرایط مخفی انتخابی نخواهند بود " .

این نیز " زیرکی " دیگری از سوی " آئین نامه " است . در این زیرکی پیشگیری آن

" خطری " مورد نظر قرار گرفت که ، اگر تصادفاً در موضع گیریهای اعضا و مشاورین کمیته مرکزی شرایطی برای تشکیل مجمع صلا حیتدار بر پایه تلفیق کار علنی و مخفی ، بر اساس

تلفیق انتخاب و انتصاب فراهم آید - بتوان آنرا خنثی و بی اثر کرد .

بهانه گیری بر سر " شرایط کار مخفی " نعمت بزرگی است ! در " شرایط کار مخفی "

میتوان همه چیز را به پست در نهایی بسته کشاند ، همه کارها را پنهانی انجام داد . پنهانی

یا اشاره چشم و ابرو افراد زبان دراز را از کار و تحصیل و زندگی محروم کرد ، کسانی را به

کناری کشید ، بدور از نظرها و نظارت های لازم حزبی عده ای را يك جا جمع کرد ، همایشی

ترتیب داد ، از آنها " رأی " خواست ، اگر " لازم " بود رأی علنی گرفت تا حساب

دستهای بلند نشده را بموقع بر کف دستها نهاد ، آنگاه - با چنین همایش دلخواه

" تصمیم " گرفت که بر آن چه نام نهاد . حال اگر " توان " و " امکان " اجازه داد نامی

هر چه پر طنین تر ؛ " کنگره " و گرنه " کنفرانس " ، آنها - " کنفرانس ملی " واگر نشد

- " پلنوم وسیخ " ( . آخر - " همه پلنومها نقش کنگره را ایفا کرده اند " ! ) اهمیت

" شرایط کار مخفی " هم در همین است .

اما ، آنچه که مربوط به توده حزبی ، حق انتخاب ، کسب اعتماد و انتقال و درك نظر

توده هاست ، بنظر " آئین نامه " و اسنادی نظیر آن - توده حزبی که " مغز " حزب

نیست . ارگانسیم تابع " مغز " است ، آلت دست این و آنست . او را " تحریک "

میکنند و او " دنباله روی " و " پیروی " میکند . " آئین نامه " و ماهواره های آن - حامل

چنین اعتقادی است . لذا ، پایه کار بر پایه " دنباله روان " و " پیروان " ، " دنباله روی "

و "پیروی" قرارداد شده است. این کارنامه - جزاین "منطق" دیگری ندارد. "منطق" "آئین نامه" این چنین است.

"آئین نامه" با چنین کارنامه و "منطق" بلافاصله شرط پنجم را نیز مطرح کرده است. بموجب این شرط:

"پلنوم کمیته مرکزی باید قبلاً" معیارهایی را برای گزینش شرکت کنندگان

در این ارگانها تنظیم کند."

گمان می‌رود که شفافیت این شرط پنجم بدان توغیحات زیاد نیازی نداشته باشد. همه "معیار"ها مشخص است: معیار داشتن حداقل ۵ سال سابقه حزبی برای عضویت در کمیته مرکزی و البته کمتر - برای شرکت در کنفرانس و کنگره و پلنوم وسیع، معیار پذیرش - های انفرادی یا حذف داشتن معرف و گذراندن دوره آزمایشی، معیار نام مستعار و سایر مسایل "پنهانکاری" ( نظیر "کنفرانس ملی" )، معیار تبعیت بی چون و چرا، معیار رأی گیری علمی ( مثلاً "در صورت نیامدن اتفاق و یا اکثریت آراء" )، معیار خودداری از انتقاد، معیار بی اعتنائی و بستوه آوردن انتقاد کنندگان، معیار متهم کردن انتقاد کنندگان به ناتوانی در "تحمل دشواریهای مهاجرت"؛ معیار تخلیق، برکناری، اخراج و غیره. در یک کلام - معیار گزینش های نوع "کنفرانس ملی" و برگزینی و برکناریهای پر دامنه - و بازهم در یک کلام - نه کنگره، نه کنفرانس یا پلنوم وسیع واقعی و نظائر آن، بلکه همایشی از برگزارندگان مورد پسند و قابل سرکوب و نامگذاری آن بنحودلخواه. چنین است - سرنوشت و محتای "عالیترین مقامات حزبی" یا زبان و اندیشه "آئین نامه" - در این روزگار پر جوش و خروش و سرشار از نوآوریها و نواندیشی.

اگر توجه شده باشد، "آئین نامه" عنوان "عالیترین مقامات حزبی" را که اساسنامه طی دو ماده و چهار بند بیان کرده و فقط کنگره حزب را بعنوان "عالیترین مقامات حزبی" ساخته است - حذف کرده، بجای آن عنوانی بنام "عالیترین ارگانهای حزبی" را تألیف کرده است.

بموجب این تألیف، تقریباً تمام مواد اساسنامه (از ماده ۱۳ تا ۳۶) و همگی عناوین آن حذف شد. چنانچه آمد، سرنوشت کنگره را بدست حوادث روزگار و در صورت یاری روزگار سرنوشت آنرا به خودگماری و خودگزینی سپرد. پس از اینکار است که "آئین نامه" در ماده بعدی به معرفی "کمیته مرکزی" بعنوان "عالیترین ارگان حزبی" در فاصله د و کنگره یا کنفرانس سرتاسری میپردازد. کمیته مرکزی را جایگزین "عالیترین مقامات حزبی" - کنگره میکند، در ب های روابط حزبی را بر چرخش پاشنه های پیشین استوار می سازد. "کمیته مرکزی" و پلنوم های آنرا جایگزین کنگره، کنفرانس و همه آن مجامع صلاحیتدار



حزبی میکند که اندیشه و خرد حزب نام دارد . در شرایط وجود اینگونه مراجع خلاصه - شده ای از اندیشه و خرد حزب است که ، اندیشه ها و خرد های جمعی و واقعی حزب نتوانست حزب را از خطاها ، انحرافات و موازین شکنی های دوران پیش و پس از انقلاب از بحران عمیق و همه سویه ی پس از یورش تاکنون برهاند و " آئین نامه " نیز چنین میراثی را با خشونت و زستی های بیشتر ادامه میدهد .

حتی برای " آئین نامه " تشکیل پلنومهای کمیته مرکزی در فواصل یکسال و کمتر مقرون به صرفه نیست و لذا :

" حداقل فاصله تشکیل جلسات کمیته مرکزی را ۱۸ ماه یکبار " تعیین می کند .

" آئین نامه " یکی پس از دیگری " موازین " و " مقررات " عضویت در کمیته مرکزی را محین میکند : برای عضویت در کمیته مرکزی داشتن پنج سال سابقه حزبی کافی دانسته شد ، در عین حال " آئین نامه " پذیرش افراد بحزب " را با حذف داشتن معرف ، دوره - آزمایشی و سایر نکات مهم اساسنامه - موکول به تصویب هیئت سیاسی کرده است . " آئین نامه " هم چنین مجاز دانست که افراد پیشنهاد شده برای عضویت در کمیته مرکزی با نام مستعار معرفی شوند . همه اینها در خارج از نظارت توده حزبی ، فعالین و مسئولین حزبی و اعضای کمیته مرکزی صورت میگیرد ، بنام رعایت " شرایط مخفی " توجیه میشود ( در حالیکه ، چنانچه قبلاً تأکید کرده ایم : همه این نظارت ها و کنترل ها را ضمن رعایت دقیق اصول کار مخفی میتوان برقرار کرد ) . اما ، " آئین نامه " به چنین سیستمی نیاز ندارد . آنرا بصرقه خود نمیبیند . " آئین نامه " بهمان " سیستم " خودگزینی ، برگماری و برگماریهای پایان ناپذیر احتیاج دارد . برای " آئین نامه " مهم نیست که اعضای کمیته مرکزی بایند دارای اعتبار و اعتماد در میان توده حزبی و در میان جامعه باشند . برای " آئین نامه " مهم اینست که اعضای کمیته مرکزی در تشخیص دشواریها و تعیین راه رفع دشواریها مسدولند ؛ رأی های خود را بدهند و بدنیال کار خود بروند .

پس از همه اینها ، دایره " عالیترین ارگانهای حزبی " در " آئین نامه " تنگ تر میشود و به " هیئت سیاسی " میرسد . حوادث و تغییراتی که پس از یورش تاکنون در این دایره تنگ " هیئت سیاسی " صورت گرفته است ، کمابیش بر همه معلوم است . اینک " آئین نامه " به جبران برخاسته است . پابین منظور " آئین نامه " ، با وجود همه دقت ها و ریزه کاریهای که برای خود در پذیرش اعضای حزب ، ایجاد روابط با اعضای حزب و برای تعیین افراد به عضویت و مشاورت کمیته مرکزی - بکار گرفت ، سودمندتر دانست که بر " انتخابی " بودن اعضای هیئت سیاسی از سوی اعضای کمیته مرکزی تأکید نکند . یعنی ، بخود اجازه داده - است که این تأکید اساسنامه ای را نیز حذف کند .

بالاخره " آئین نامه " با این " تدابیر " به آنجا میرسد که :

" هیئت سیاسی دارای سه سعه تشکیلات ، ایدئولوژی و تبلیغات و بین المللی خواهد بود " .  
سپس میگوید که :

" شعب تحت نظر هیئت دبیران فعالیت میکند " .

ظاهراً مرچنین میرساند که حزب باید سه دبیر داشته باشد ، ولی چنین کاری برای " آئین نامه " ایجاد دردسر میکند . " رفع " این " دردسر " یکی از دلایل نزول ماده ۲۰ " آئین نامه " است :

" تعداد دبیران حداقل دو نفر ( دبیر اول و دبیر دوم ) خواهد بود .  
دبیر اول بر امور جاری بمنتظر هماهنگی ساختن آنها نظارت عالیه داشته و دبیرخانه کمیته مرکزی را اداره میکند "

" در غیبت دبیر اول دبیر دوم امور را اداره میکند " .

قسمت اخیر این ماده " آئین نامه " از ماده ۳۱ اساسنامه برداشته شد و این جمله ی اساسنامه ای ، یعنی :

" در غیبت دبیر اول هیئت دبیران یکی از دبیران را برای انجام وظائف دبیر اول در نظر میگیرد "  
با جمله ی " آئین نامه ای :

" در غیبت دبیر اول ، دبیر دوم امیر را اداره میکند "

عوض شده است . و این - جان کلام و شیره جان " آئین نامه " است که آنرا در هفت عنوان اولیه تدارک دیده ، در دل عنوان هشتم نهفت و وقتی دو ماده بعدی " آئین نامه " نیز بر آن اضافه شود که مسئولیت شعبه تشکیلات با دبیر اول و امور مالی به هیئت دبیران ( یعنی دبیر اول و دوم ) واگذار شد ، دیده میشود که همه امور حزب از پذیرش گرفته تا امور سازمانی و مالی در اختیار دو دبیر است و همه آنها را " در غیبت دبیر اول دبیر دوم اداره میکند " .

در اینجا است که این جان کلام و شیره جانی که در " آئین نامه " نهفته شده است ، بصورت " شاهکار " " آئین نامه " ، در این شرایط بحرانی ، دشوار و خطرناک - سر بیرون میآورد . این شاهکاری است که از معنای آن " شرایط مخفی " و رعایت " اصول پنهانکاری " و " عدم تمرکز " و نگاهداری رازهای حزبی برخاسته ، در همه جا - در داخل و خارج کشور به یکسان گرفته شده ، به " گوناگونی شرایط مشخص " نیز " توجه " شده - است !!



مضمون این "سازگار" بزرگ و "اندیشمندان" برای حزب طراز نوین طبقه کارگر در آن خلاصه شده است که: دودبیر حزب برابر است با حزب و همه ثروتهای انسانی، مادی و معنوی حزب؛ گرفتاری دودبیر حزب برابر است با از دست رفتن همه رازها و تمام ثروتهای انسانی، مادی و معنوی حزب \*

پندآموزی "آئین نامه" از درسهای مکرر و تلخ تاریخ اینست: شکست بخور، مکرر بخور و هر بار کارها را دوباره از سر بگیر! !  
چنین است مضمون "آئین نامه" بدقت "حساب" شده برای حفظ و آسیب ناپذیری حزب و اعضای حزب، رعایت بفرنجی کار در "شرایط مخفی"!

نتیجه گفتار: "اساسنامه" جدید - اعلامیه جدائی از

حزب توده ایران، جدائی از نیازهای

حزب و جامعه کنونی ایران و جهان

چنانکه نشان داده شد، "آئین نامه" فرزند خلف آن دوگانگی آشکار است که از پیوند نامشروع عنوانی بنام "تخییر اساسنامه" با مضمونی به اسم "مقررات کار مخفی" در زمینه نحوه و شیوه تغییر در برخی عرصه های فعالیت حزبی در همایشی که به "کنفرانس ملی" نامگذاری شد، بمنظور "اجرای مقررات و موازین مندرجه" در مواد سی و ششگانه اساسنامه - های مورد تأکید پلنومهای پانزدهم، هفدهم، نوزدهم و همان "کنفرانس ملی" - تکوین یافت. فرزندی که در دیماه سال ۱۳۶۶ از این پیوند نامیمون زاده شد، در صورت و سیرت "اساسنامه" ایست که با بند نافی به درازای آئین نامه اجرایی مصوب پلنوم دی ماه ۱۳۶۶ کمیته مرکزی پیرامون تغییرات در اساسنامه حزب توده ایران در انطباق با ماده ۳۷ مربوط به شرایط کار مخفی" به زهدان بسته است \*

اگر "کنفرانس ملی" خانه خودی میبود و اگر پیوند مشروعی میان اساسنامه های قانونی و کنونی و "مقررات کار مخفی" صورت میگرفت، از آن فرزند خلفی پدید میآمد که نام "مقررات ویژه برای تغییراتی در شیوه فعالیت های حزبی در برخی عرصه ها بمنظور اجرای مقررات و موازین اساسنامه حزب توده ایران" بخود میگرفت، در صورت و سیرت "مقررات ویژه" برای هر یک از "شرایط گوناگون مشخص در داخل و خارج کشور" بروز میکرد و برگ بپوشه های بازرگستان حزب روح و جان و طراوت تازه میبخشید \*

"کنفرانس ملی" خواست که با توجه به ویژگیهای دوران مخفی "مقررات ویژه" وضع شود، ولی در همانجا نطفه "اساسنامه" جدید با چاشنی "تخییرات" تکوین پذیرفت و

از پلنوم دیماه ۱۳۳۶ بجای " مقررات " ، " اساسنامه " ای یا بند ناف دراز و بی‌معنایش  
تولد یافت .

این " اساسنامه " جدید هشت عنوان از شانزده عنوان اساسنامه کنونی را حذف و یک  
عنوان آنرا تحریف کرد . از سی و شش ماده اساسنامه اصلی ۱۷ ماده را بکلی کنار گذاشت ،  
هفت ماده را دچار تغییرات جدی ، درهم آمیختگی و حذف و حواشی کرد ، یازده ماده از  
خود بر آن افزود و تنها پنج ماده از اساسنامه اصلی را پسود هدفهای خود دست نخورده  
نگاه داشت .

" اساسنامه " جدید شرایط داشتن صلاحیت سیاسی و اجتماعی و اخلاقی و تضمین  
آن از سوی محرفین ، گذراندن دوره آزمایشی را برای افراد تازه وارد در حزب از میان  
برداشت . حوزه های حزبی و تمام ارگانهای سازمانی حزب را نفی کرد . عادی ترین حقوق  
دمکراتیک : حق پایه های اولیه سازمانی ، تأثیر اعضای حزب در تعیین مسئولین ( از  
پایه های اولیه حزبی گرفته تا بالاترین مراجع ، حق انتقاد از مسئولین ( صرفنظر از مقام آنها )  
حق شرکت اعضای حزب در حل مسائل مربوط به سیاست حزب ، حق شرکت در مباحثاتی که  
در مطبوعات حزب مطرح میشود ، حق دفاع از خود به هنگام رسیدگی به اتهام ، حق اعضای  
کمیته مرکزی در رسیدگی و نظارت بر جریان امور - حتی در مورد پذیرش و اخراجها و غیره و  
غیره - همگی را از میان برداشت .

" اساسنامه " جدید دستگه و روابطی بوجود آورد که عناصر تصادفی باسانی میتوانند در  
تمام سیستم ها و ساخت ارگانیك حزب راه یابند . جدی ترین خطرات را برای زندگی کنونی  
حزب و ادامه فعال آن پدید بیاورند .

" اساسنامه " جدید مفهوم لنینی مرکزیت دمکراتیک ، دمکراسی درون حزبی ، معنای  
لنینی ایجاد و استقرار انضباط آگاهانه ، وحدت پولادین حزب ، مراعات اکید اصل انتقاد  
و انتقاد از خود و بهره گیری صادقانه از آن ، اصل کار جمعی ، تربیت سیاسی ، اقصاع  
و اتحاد و غیره و غیره را تحریف کرده ، تأثیر عملی آنرا از میان برداشت .

" اساسنامه " جدید زیر عنوان رعایت " پنهانکاری " اصول تلفیق کار علنی و مخفی ،  
تأمین تأثیر اعضای حزب در پرورش و معرفی فعالین و رهبران ، در آمیختگی اعضای حزب با  
توده مردم و رشد سیاسی آنها را زیر پا گذاشت . اصل عدم تمرکز همه امور و اسرار حزبی در  
دست افراد محدود را بصورت تمرکز همه امور در اختیار يك تا دو نفر در آورد و با این عمل  
موجودیت و سرنوشت حزب را در معرض خطرناکترین حوادث غیر قابل پیشگیری قرار داده است .  
آنچه " اساسنامه " جدید با نام " آئین نامه " مطرح کرده است با هیچ يك از اساسنامه  
های حزب کمونیست ایران و اساسنامه های حزب توده ایران همخوان نیست .

این "اساسنامه" جدید اصول لنینی حزب طراز نوین طبقه کارگر را زیر پا گذاشته - است \*

این "اساسنامه" نه تنها پاسخگوی نیازهای حزب توده ایران و اعضای آن نیست، نه تنها با ضرورت های مبارزاتی و اجتماعی جامعه ایران سازگاری ندارد بلکه با نیازهای کنونی جهان نیز در مغایرت اصولی است \*

"اساسنامه" جدید متعلق به حزب توده ایران نیست \* "آئین نامه" ای در صورت و سیرت اساسنامه اعلام جدائی از حزب توده ایران و همه سنتهای بزرگ اساسنامه ای و برخورد های اجتماعی و عمیق "میهنی و انترناسیونالیستی حزب توده ایران است \* هیچ کس و هیچ مقامی جزکنگره حزب توده ایران حق تغییر، تنظیم، تدوین و تصویب اساسنامه های حزب توده ایران و هیچ يك از مواد و بندهای آنرا ندارد \*

باردیگر با صدای رسا تکرار میکنیم: تشکیل کنگره حزب، تشکیل مجمع صلاحیتدار حزبی با تأمین شرکت فعال اعضا، حزب، با رعایت کامل و هر سویه ویژگیهای "شرایط کار مخفی"، با جلب وسیع ترین نیروهای انقلابی و مترقی کشور، یعنی بسیج خرد جمعی حزب و جامعه برای سازمان دادن جنبش ترقیخواهانه و همه گیر، با رعایت دقیق همه اصول مارکسیست - لنینیستی در سمت و سوی نیازهای کنونی کشور و جهان - کاملاً و بی تردید امکان پذیر است \*

لخوفوری "اساسنامه" جدید که با نام "آئین نامه" تظاهر کرده است، گسستن زنجیرهائی که بردست و پای حزب و اعضا و فعالین آن بسته شده است، از میان برداشتن تکی روی و پراکندگی و خودسری شرط اصلی و اولیه برای آغاز آن (تدارک کنگره) است \*

در این باره سخن ها فراوان داریم \*

رفقا!

ما در دوران انقلاب اندیشه و عمل - در دوران بازسازی و نوآرایی زندگی میکنیم \* اگر انقلاب علمی و فنی در سرآغاز نیمه دوم سده بیستم تأثیر تحول برانگیز خود را آغاز کرد، انقلاب اندیشه ای - اجتماعی که در همان زمان آغاز و به توقف کشانده شد، اینک - پس از سی سال تأخیر - تأثیر تحول بخش خود را بر زندگی جامعه بشری، بر فعالیت همه عناصر ذهنی بشری، از جمله پر زندگی حزبی و سازمانهای انقلابی و اجتماعی جهان - آغاز کرده است \*

ما از این قافله عقب مانده ایم \*

خود را به پایان سده نوزدهم و آغاز سده بیستم کشانده ایم و در همانجا نیز فرز مانده

باقی هستیم \*

پیوسته نشان داده ایم که از پیش‌تازان جنبش‌های ترقیخواهانه در خاور زمین هستیم و اینک بدام درگیری و آشفتگی افتاده ایم .

بازسازی تنها به عرصه‌های معین و برای زندگی کشورهای معین مطرح نیست .

بازسازی خود انقلاب‌اندیشه‌ای است .

بازسازی ، پیش از هر چیز بمعنای بازسازی شیوه تفکر و آنگاه بمعنای بازسازی محیط زندگی و کار است .

بازسازی - حدومرز و کشور مشخص نمیشناسد و بر گوناگونی شرایط مشخص عمیقاً و دقیقاً اعتقاد دارد و عمل میکند .

بازسازی محصول نواندیشی ، و نواندیشی خود - محصول بازسازی است . آنها عناصر جدا از یکدیگر نیستند .

باید با نواندیشی ، وحدت‌همفکران ، ارج دهی و گرفتن میراث از گنجینه‌های انسانی و فکری گذشته ، با گذشت و صداقت به بازسازی حزب ، به حفظ اصالت توده‌ای حزب توده ایران دست زد .

حزب توده ایران از تاریخ و اندیشه و عملکرد توده‌ها و جامعه ایران زدودنی نیست . این یک "جزم" ناشی از کار و فداکاری افراد و لایه‌های معین حزبی نیست ، واقعیت سرسخت تاریخ و ناشی از نیاز سرسخت جامعه است . گوشی بد هکار شنیدن فرمان افراد و گروه‌های جداگانه و دارندگان عقده‌های بحق نیست .

وحدت در راه تدارک فکری و سازمانی سومین کنگره حزب توده ایران تأخیر ناپذیرترین وظیفه در مرحله کنونی است .

وحدت همه رفقای جدا شده با رفقای در حزب باقی مانده ، وحدت همه آنها با تمام سازمانهای پیرو سوسیالیسم و نیروهای انقلابی و مترقی و اجتماعی - دینی ناشی از شرف و وجدان هر توده‌ای است .